اسلام کیش سکس
و
شهوت

فرزاد جاسمی

اسلام کیش سکس و شهوت

فرزاد جاسمی

سال ۲۰۰۸ میلادی

با نگاهی به طور اجمال به ادیان و آئین های موجود و باز گشت به اصل و مبدأ آنها در می یابیم که هر کدام بنا به نیاز جامعه ی آن زمان، رقابت با ادیان موجود و با هدفی خاص اعلام موجودیت نموده اند. پاره ای از این ادیان مصرف داخلی قوم و قبیله ای داشته اند. در مقابل پاره ای دیگر مورد بهره برداری و سئواستفاده ی قدرت های بزرگ موجود قرار گرفته و با توجه به باز دهی و نتایج حاصله به دین رسمی یا نیمه رسمی دولتها و قدرت ها مبدل شده اند.

وجود اوهام و خرافات و ترویج خرافه پرستی، با توجه به بنیان و تاثیر گذاری آن در دوران های گذشته و اعتقاد بشر نخستین که موجودی کاملا وابسته و پای بند و مطیع طبیعت بوده به این نوع پدیده ها، گرچه دستمایه و وسیله ی جذب و جلب هواداران و کشاندن آنان به دنبال دین نوع ظهور بوده، ولی با توجه به شرایط اقلیمی و اجتماعی موجود و زادگاه هر دین و آئین دارای شدت و ضعف مخصوص به خود بوده است!

ادیان ابراهیمی و به ویژه دین اسلام، به دلیل ظهور در میان قبایل شبانی و شرایط حاکم بر صحراهای خشک و سوزان و بی

علف، از نظر وجود خرافات و موجودات خیالی همچون جن و پری و غیره از غنای بیشتری برخوردارند!
علاوه بر آن وعده های داده شده از سوی رهبران و بنیانگذاران نیز جنبه های کاملا اجتماعی و عمدتا رؤیایی و خیالی دارند!
باغ های سر سبز، درختان میوه، خانه های چند اشکوبه و از همه مهمتر، دختران و پسران زیبا روی و سرخ و سفیدی که از جماع کردن و لواط دادن نه تنها سیر نمی شوند، بلکه روز بروز و به دلیل نوشیدن شراب زنجفیل که قدرت باه را افزایش می دهد حریص تر و حریص تر هم می شوند.
بهشت عشرتکده ایست با غذاهای رنگارنگ، تختخواب های رؤیایی و آن چنانی، درختان میوه، قصرهایی چند اشکوبه و زیبا که از مرمر و عاج ساخته شده اند، در کوچه باغهایش گوهر و زمرد فرش شده است، در جوی های همیشه جاری و روانش شیر و عسل و شراب زنجفیل جریان دارد. و از همه مهمتر، از حوریان و غلمان های فحل و لخت و عریان که مهیای جماع و لواط دادن هستند موج می زند! حوریانی قد بلند، سرخ و سفید، با موهای بور، پشمان سبز و آبی، پستان هایی برجسته و کال، کمرهایی باریک، ران هایی سفید، ساقهایی کشیده و موزون، فرج های تنگ و نوره ندیده و غلمان هایی که سبزه بر پشت لبانش ندمیده. با میان هایی تنگ بسته، باسن هایی گرد و خوش فرم و معقدهایی تنگ که از تنگی، بازار دوات را شکسته اند و بر تخت هایی زرنگار و رختخواب هایی با پوشش حریر و استبراق داراز کشیده و لنگ گشوده اند و له له می زنند تا مؤمنی خسته و گردآلود، از فشار قبر و سئوال و جواب های نکیر و منکر بگذرد و گام به فردوس برین بگذارد و با آنان آن کند که سالها و حتی قرن ها چشم به راهش بوده و انتظارش را کشیده اند.

تعداد حوریان جماع دهنده و غلمان های دست به سینه و مهیای عمل لواط به حدی است که به هر مؤمن و پرهیزگاری که رضایت پروردگار، پیامبر و جانشینان وی را فراهم آورد، در همان قدم اول و بدو ورود، هفتاد هزارتا به عنوان پاداش داده می شود.
حال توجه بفرمایید، با توجه به گزارش های دقیق و موثق علمایی چون سید ملا محمد باقر مجلسی، شیخ طبرسی، شیخ صدوق (ابن بابویه)، محمد ابن یعقوب کلینی، و هزاران فیلسوف و دانشمند کم نظیر و نادر ایرانی دیگری که از دامان علم پرور اسلام ناب محمدی و مذهب انسان ساز شیعه بر خاسته و در محضر ائمه ی معصومین که هر یک بر علوم مدنی و لدنی محیط و مسلط و در ردیف بزرگترین دانشمندان عصر خود بوده، پرورش یافته اند، مبنی بر این که جماع اهل جنت چهل سال به درازا می کشد، تصورش را بکنید که چه می شود و چه محشری در آن باغ بر پا بوده و هر روزه بر پای می گردد!

ز هر سو ناله ی جانسوز حوری
فشار مؤمنی و زرت و زوری
ز غلمان چشم ها از کاسه بیرون
زده و مانده است در مرز کوری
درون معقدش گویی چماق است
و یا در حلقه ی تنگ پای گوری

چه وعده ای از این بهتر و فریبنده تر؟
آن هم برای بادیه نشینی که در واحه های بی آب و علف روزگار می گذراند. با تابش آفتاب سوزان، شن های تفتیده و روان، سراب، سرمای شبانه ی صحرا و کویر و هزاران بدبختی و ادبار و نکبت دیگر سر و کار دارد. سکوت شب و

آرامش صحرا به وحشت اش می اندازد. در موقع خواب، شولایش را بر سر می کشد و خود را به شتر می چسباند تا بادش نرباید و زیر توده ای از شن های روان مدفونش نسازد. در وقت نیاز به همخوابگی و عمل جماع نیز، مجبور است به شتر و الاغ و استر و گوسفند و بُز متوسل شود و دیو شهوت و آلت بلند شده اش را به نوعی آرام نماید.
بادیه نشینانی که پیشه شان راهزنی و قتل و غارت است و دزدیدن زنان و تجاوز به ناموس همسایگان و یکدیگر را در ردیف افتخارات خود می شمارند و بدین کار می بالند و مباهات هم می کنند؟
صحرا نشینان و مردم بی فرهنگی که از تعصب و غیرت جامد و خشک، تولد دختر را ننگ خود و قبیله دانسته و به منظور نجات گریبان خود از این ننگ عظما، این موجود بیگناه را زنده زنده به گور می سپارند!
حال اگر این وعده ها، از صورت رؤیا و نسیه خارج و جنبه ی دنیوی نیز بیابند، نور الی نور است و بادیه نشین را به انجام هر کار و هر جنایتی حریص تر می نماید!
ظهور اسلام و پیشرفت برق آسای آن در شبه جزیره عربستان و سپس منطقه ای به وسعت آسیا و اروپا، بر این پایه و اساس قرار داشت که رهبران آن:
۱ - وعده ی غارت و چپاولگری همسایگان کافر و مشرک خود را به پیروان خویش دادند و دستشان را در انجام هر گونه جنایتی باز گذاشتند. چه اموال به دست آمده اعم از سیم و زر، زمین، وسائل خانه و کاشانه، واز همه مهمتر زنان و دختران، غنائم جنگی محسسوب و در بین آنان تقسیم می گردید.
زنان و دختران به غنیمت گرفته شده از این پس کنیز خوانده می شدند و به تملک صاحب خود در می آمدند! صاحب، می

توانست آنها را به هر نحوی که خود مایل بود مورد بهره برداری قرار دهد یا در بازار برده فروشی به فروش برسد. گر چه هیچ زنی در اسلام دارای حق و حقوق انسانی نبوده و از آزادی بر خوردار نیست، کنیزان از آنچه مرسوم و متداول بوده نیز بی بهره و بی نصیب بودند! حفظ نظام برده داری و عدم انسان شمردن کنیزان و زنان و دختران به غنیمت گرفته شده به حدی است ملای مرتجعی چون طالقانی نیز که از سوی به اصطلاح روشنفکران ایرانی به روشن بینی و امروزه نگری معروف و مشهور بوده، در باره شان می گوید:

« در باره زن نگرانی از بی عدالتی است، چون نظر به حفظ تعادل از هر جهت میان آنان می باشد و این تعادل درباره یک زن صادق نیست ... که در میان آن و چند کنیز تعادل واجب نیست. چون ملک یمین است! و با قدرت جهاد یا خریداری به تملک امده،... کنیزان یا مشرکانی هستند که در جهاد اسلامی به اسارت در امده اند ویا از بقایای بردگان جاهلیت بوده اند. از نظر اسلام، چون ریشه های شرک و یا روح بردگی در آنها باقیست،[همینطور باقی می مانند] تا در محیط [عدل] اسلامی زدوده شود و زمینه آزادی یا همسریش فراهم گردد و یا ام ولد[مادری که از یک مسلمان باردار گردد] شود.»

بنابر این کنیز گذشته از اینکه مانند یک کالای خریداری شده یا به غنیمت گرفته شده در تملک صاحب است، مورد همه نوع بهره کشی های غیر انسانی و ضد اخلاقی و جنسی قرار می گیرد تا وظیفه ی سرباز سازی را برای اسلام عزیز(ام ولد) انجام دهد. در حالیکه همسر نیز محسوب نمی شود. تا چه رسد که انسان و آزاد تلقی گردد!

به هر حال، چپاول و غارت مغلوب شدگان و شکست خوردگان، قتل عام آنان و به غنیمت گرفتن زنان و دخترانش با مجوز دینی

و تائیدیه ی خدای آسمانی، وعده ی خرد و کوچکی نبود! آنهم برای ساکنان چادر نشین و بیابنگرد سرزمین سوزان و بی آب و علفی که امکان هیچ گونه پیشرفت و برخورداری از یک زندگی راحت و آسوده برایشان فراهم و مهیا نبود.
در عربستان آن روزگار، برای اکثریت مردم که زندگی فلاکت بار خود را از طریق چادر نشینی و شبانی خرد، نه گسترده و کلان، راهزنی و قتل و غارت و چپاول به سر می بردند، همه ی راه ها به صحرا و شن زارهای روان منتهی می شد. از این روی، رهبر و پیشوای آئین جدید که در رقابت با دو دین ابراهیمی دیگر، یعنی یهودیت و مسیحیت پا به عرصه ی وجود گذاشته بود، به جنگ، غارت و چپاول جلوه ای قانونی و شرعی داد.
جهاد در راه خدا، کشتار مردان و فرزندان ذکور، غارت و چپاول مغلوب شدگان و به اسارت گرفتن زنان و دختران و تجاوز و بهره برداری جنسی از آنان به عنوان کنیز و همسران صیغه ای، نه تنها قبیح و اعمالی ضدانسانی و ضد بشری محسوب نمی شد، بلکه خشنودی و رضایت خداوند قهار، جبار و سخت گیر آسمانی را در پی داشت. و بهشت و آخرت توأم با آسایش و ارامش ابدی را نصیب جنایتکاران و قتل عام کنندگان می کرد!
بر این پایه و اساس است که می بینیم اولین حرکت و اعلام موجودیت مسلمین از جنگ بدر و یورش به کاروان تجاری قریش و غارت کاروانیان آغاز می شود. و در نهایت به تاراج خزائن پادشاهان ایران، فراعنه ی مصر و قیصران روم منجر می گردد و تازیان به سروری و آقایی ملل و اقوام مغلوب دست می یابند!

۲ - وعده ی بهشت و زندگی راحت و جاوید در آخرت! که آن هم مملو از وعده های شیرین و وسوسه بر انگیزی بوده و هست که می توانست و می تواند امت اسلامی را به جانورانی درنده، سنگدل و خونآشام مبدل و بدون گفتگو تا قعر دوزخ بکشاند. قصرها و کوشک هایی افسانه یی، سفره های رنگین، باغ های میوه، جوی های مملو از عسل و شراب و هزاران دختر و پسر جوان که با اندام و پیکرهایی مرمرین، بر روی تخت هایی از پرقو و خز لمیده و آماده ی پذیرایی از مهمانان عالیقدر خداوندگار بودند! آنهم با ارائه ی سکس و عملیات شهوانی که حتی فکر کردن در باره ی آنان نیز، در زندگی روزمره گناه محسوب می شد و به گفته ی مسلمین کفاره و عذاب داشت!

در یک کلام، اسلام دینی بوده و هست که با توجه به همه ی محرومیت های موجود در صحرای عربستان آن روز، بر وعده وعید های دست یافتنی و نایافتنی نیازهای شکم و زیر شکم متکی و استوار است!

سی سال حکومت ملایان، یعنی مروجین و ممبلغین دین اسلام و جانشینان رهبران و پیشوایان این دین و بر خورد سبعانه و ددمنشانه ی آنان با دگراندیشان، زنان و ثروت ملی مردم، بزرگترین دلیل و برترین برهانی است که توانسته و می تواند ماهیت این دین و آئین را در برابر دیدگان پژوهندگان و محققین بگشاید.

امروز که شور بدون شعور و بینش انقلابی رهبران و فعالان دوران انقلاب فروکش نموده و بسیاری از جنایتکاران و آدمکشان حرفه ای تلاش می ورزند تا دست های خون آلود خود را مخفی و دامن خود را از لکه های خون بیگناهان پاک نمایند، به چنین عقایدی دامن زده می شود که گویا آیت الله روح الله موسوی خمینی و پاره از روحانیون تند رو شیعه، با اعمال و

رفتار تند روانه ی خود، چهره ی اسلام ناب محمدی را خدشه دار و زمینه ی بدنامی اش را فراهم نموده اند. ادعایی پوچ، بی معنی و سراپا نیرنگ و فریب که معنی و مفهومی جز شارلاتانیسم ندارد. زیرا بازنگری و مطالعه ی متون بر جای مانده و مرور گذشته ی این آیین آسمانی، نشان دهنده سبعیت و خون آشامی پیشوایان و رهبران این کیش در همه ی دوره های تاریخی است!

ما بر آن نیستیم تا همه ی مسائل و آثار برجای مانده از هزار و چهارصد سال پیش تا کنون این آئین و شیوه ی دولت مداری و مردم داری رهبران و پیشوایان آن را را مورد مداقه و مو شکافی قرار دهیم! زیرا نه بضاعتش را داریم و نه وقت و زمان کافی. از این روی، تنها و تنها به مسئله ی زن، ازدواج و تا حدودی ازدواج موقت می پردازیم و دیدگاه و نظریات پیامبر اسلام و امامان شیعی را در این باره گرد می آوریم. تا ناآگاهان و پیروان ساده دل و فریب خورده ی این آیین بویژه زنان مسلمان در یابند که:

در این آیین، بر خلاف همه ی ادعاهای فریبنده و ریاکارانه، زن از کمترین ارزش و اعتباری بر خوردار نیست. بلکه موجودی است سفیه، دیوانه، ناقص العقل، هم دست شیطان، پست تر از مار و عقرب و رطیل و غیره! و اگر به او اجازه ی حیات و زندگی داده می شود، صرفاً بدان جهت است که وسیله ی لذت، شهوترانی و سرگرمی مردان است! یعنی هنگامی که دیو شهوت در کالبد مرد بیدار می شود و شراره ها بر جان مرد می اندازد و آلت تناسلی اش بلند می شود تا عقلش را ضایع کند، این وسیله و ابزار بی ارزش، اعتبار می یابد و کارآیی خود را به نمایش می گذارد! مرد می تواند با وارد شدن به کشتزاری که خداوند عالمیان، همه ی سرنوشت و زندگیش را در کف قدرت مرد

گذاشته، و بازی با موها، پستان ها و بوسیدن لب ها و ناف و حتی آلت تناسلی و در پایان عمل جماع یا لواط با وی، بر دیو شهوت غلبه نماید! همین!

« زنان شما کشتزار شمایند، هر زمان و به هر طریق که خواستید به کشتزار خود نزدیك شوید.»[1]

زن از سوی خداوند هستی آفرین و عادل و مهربان و بخشنده و ...، به عنوان کشتزاری معرفي مي شود که به وسیله ی مردان کاشته و آبیاری می شود. چه افتخاری از این بالاتر که نصیب زن، بویژه زن مسلمان شده است!

« مردان را بر زنان حق تسلط و نگهبانی است، به واسطه ی آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته است، و هم به واسطه ی آن که مردان باید از مال خود به زنان نفقه بدهند، پس زنان شایسته و مطیع آنهایند که در غیبت حافظ حقوق شوهرانشان باشند، و آنچه را خدا به حفظ آن امر فرموده نگه دارند، و زنانی که از مخالفت آنان بیمناکید؛ ابتدا آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشدند از خوابگاه آنها دوری کنید، باز مطیع نشدند به زدن آنها را تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر هیچگونه ستم بر آنها روا ندارید، همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است.»[2]

در این آیه، دو نکته اساسی و قابل توجه به چشم می خورد. اول اینکه، بر خلاف ادعای یاوه گویان و مدعیان فریبکار و ریاکار برابری و مساوات بین زن و مرد و بزک کنندگان چهره ی اسلام ناب محمدی، مردان برتر از زنان هستند. دوم اینکه خداوند جهان و سرور کائنات به مردان غیور و متعصب مسلمان آموزش می دهد تا نسبت به زنان، یعنی وسیله و ابزار سرگرمی

---

[1] – قرآن، سوره ی بقره، آیه ی۲۳۲.

[1] – قرآن، سوره ی نساء، آیه ی ۳۴.

و دفع شهوت خود ستم روا دارند و با شیوه های غیر انسانی رعب و وحشت و شکنجه، آنان را کنترل نمایند!
« زنانی که عمل ناشایست انجام دهند چهار شاهد مسلمان بر آنها بخواهید، چنانچه شهادت دادند آنها را در خانه نگه دارید تا زمان مرگشان فرا رسد.»[۱]
خیلی راحت و بدون دردسر!
چنانچه همین عمل زشت و ناشایست از جانب مرد مسلمان اتفاق بیفتد، چه اتفاقی رخ خواهد و فرمانروا و قاضی القضات شرع و مجری قوانین و احکام شریعت چه وظیفه ای بر عهده دارد؟
« اگر در میان شما دو مرد مبادرت به عمل زشتی کردند، هر دو را مجازات کنید، اگر توبه کردند آنها را به حال خود واگذارید.»[۲]
این نیز تبعیض و بی عدالتی از سوی خداوند و قوانین اسلامی محسوب نمی شود. بلکه کمال عدل است و نشانه ای از برابری و مساوات خداوند قادر متعال! هر گونه خلاف جنسی زنان مجازات مرگ به دنبال دارد. اما انحراف مردان از طرف خدا قابل بخشش و چشم پوشی است. زیرا بدن زن و آلت تناسلی وی، صد در صد در تملک مرد و وسیله شخصی ارضاء شهوت اوست! در حالیکه آلت تناسلی مردان، وسیله ایست عام المنفعه و در خدمت اسلام عزیز! بنا بر این می تواند در فرج هر زنی فرو رود و سربازانی بیافریند که در راه توسعه و اشاعه ی اسلام گام بردارند و جهاد کنند.
« آنان که به زنان خود نسبت زنا بدهند و بر این ادعا جز خود شاهدی نداشته باشند چهار بار سوگند بخورند.»[۳]

[۲] – قرآن، سوره ی نساء آیه ی ۱۵.
[۱] – قرآن، سوره ی نساء، آیه ی ۱۶.
[۲] – قرآن، سوره ی نور، آیه ۶.

این هم نمونه ی دیگر از عدالت و برابری حقوق زن و مرد در اسلام! مرد یعنی مالک، صاحب اختیار و خداوندگار زن، به راحتی می تواند به زنش تهمت زنا بزند. او را به مرگ فجیع و سنگسار محکوم نماید! فقط کافیست که چهار مرتبه سوگند یاد کند و بر بزرگی خداوند شهادت بدهد!
آیا زنان نیز از چنین حقی برخوردارند؟ آیا با ارائه ی هزاران دلیل و سند و مدرک در باره زن باره گی، لواط کار بودن، اعتیاد، فساد و فحشاء ی شوهرشان، قادرند از او تلاق بگیرند و فرزندان یا فرزندنشان از شر موجودی فاسد و بیمار نجات بخشند؟ تا چه رسد که تقاضای مجازات زندان و اعدام عنصری چنین را بنمایند!
این واقعیت که زنان نیمی از جمعیت جامعه ی بشری را تشکیل داده و می دهند، از سوی هیچکس و هیچ مقامی، در هر موقعیت فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و برداشت فکری و ایدئولوژیکی قابل انکار و چشم پوشی نیست. حتی برای مسلمانان دگم اندیش و شترمرغ های مذهبی که پوستین و ردای دلقک مآبانه و خنده آور روشنفکر دینی و نیروهای ملی – مذهبی را بر قامت خود آراسته و تلاشی مذبوحانه را آغازیده اند تا با ادعاهای دروغین و خنده آور از اسلام عزیز، چهره ای دمکراتیک، آزادیخواه و طرفدار حقوق برابر و طرفداری از زنان ترسیم نمایند!
نیمی از جمعیت فعال جامعه که در طول تاریخ، پا به پای مردان ره نوردیده و در تولید و باز تولید نعم مادی، تمدن، هنر و غیره نقش اساسی و سازنده داشته و دارد، امروزه، بیش از هر زمان و دوران دیگری، با حضور گسترده ی اجتماعی در عرصه های مختلف در تلاش است تا حقوق پایمال شده ی خود را باز ستاند و احقاق حقوق نماید.

زنان امروز، با الگو برداری و بکارگیری تجربه های مبارزاتی سده ها و دهه های گذشته، بر آن است تا به حقوقی دست یابد که حکایتگر و برآورنده ی نیازهای زن، در جهان معاصراست!
آنان پیکاری را به پیش می برند و در راه تحقق آرمان هایی گام بر می دارند که هزاران سال از سوی تولید کنندگان و بازتولید کنند گان نظامهای طبقاتی مرد سالار ـ پدر سالار و در پناه ادیان و مذاهب جزم اندیش و واپسگرای مرتجع به تعویق افتاده و به عقب رانده شده است.
ابعاد این مبارزه و حضور گسترده ی زنان، در داخل مرزهای جغرافیایی میهن به مراتب چشم گیر و قابل روئیت است! بر خلافت محیط خارج از کشور که عده ی قابل توجهی از زنان با الگو قرار دادن فرهنگ منحط غرب و مستمسک قرار دادن فساد و فحشاء ی توسعه یافته از سوی ملایان ضد بشر، بی بند باری و دست و پا زدن در باتلاق متعفن هرزه گری را نشانه آزادی و ترقی و پیشرفت زن می دانند و به نحوی جنون آمیز از این فساد و هرزه گی حیوان گونه ی خود که کمترین سنخیتی با مقام و منزلت زن ندارد، دفاع می کنند! از دیگاه این دسته از زنان، دوست پسر گرفتن های بیشتر و آغوش گشودن های افراطی بر روی مردان و زنان شهوتران و هوسباز، نشانه ی ترقی و تمدن و بر خاستن از میان خانواده ای با فرهنگ و روشنفکر است! حتی اگر خانواده در بیسوادی محض دست و پا بزند و پیشه ای جز خدمت به دم و دستگاه جنایکار و تبهکار خلیفه گری شیعه و سرکوب و شکنجه و پرونده سازی برای مبارزان و میهن پرستان حقیقی نداشته باشد!
بگذریم!
از میان این ادیان و مذاهب گوناگون، اسلام و مذهب شیعه ی اثنی عشری (دوازده امامی) که روحانیون مرتجع و واپسگرای

وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه، با ایجاد رعب و وحشت، سرکوب و خفقان، زندان و شکنجه و اعدام، سنگسار و تبعید و قطع دست و پا آن را نمایندگی و پاسداری می کنند، از جایگاه ویژه و قابل نگرشی برخوردار است!
در کشور ستم دیده و ویران شده ی ما ایران، دین اسلام و مذهب تشیع علوی، به عنوان برجسته ترین نمونه ی زن ستیزی - وآزادی کشی - ضدیت با ترقی و پیشرفت - سرکوب و کشتار دگر اندیشان و اقلیت های قومی و آیینی، شناخته شده و تاکنون از روشهای کاملاً ضد بشری و تبهکارانه و جنایتکارانه سود جسته و در پناه این روش های سبعانه توانسته است تا کنون به حیات ننگین و سراپا جهل و جنایت خود ادامه دهد!
ضدیت با آزادی و دمکراسی، پیشرفت و تمدن، نقد ستیزی و نقد گریزی، عدم تحمل دگر اندیشی و غیره صفات ذاتی اسلامند!
فرد مسلمان، در دوران کودکی و بهنگام رشد می آموزد از حق تفکر و اندیشه ی آزاد محروم است و به وی می آموزند که در باره خیلی از مسائل، اندیشه و تفکر نکند! یا به سخنی ساده تر، هیچگاه در مقام پرسش و سئوال بر نیاید!
در لابلای سطور سوره های قرآن، یعنی کتاب آسمانی مسلمانان، آیه های متعددی وجود دارد مبنی بر عدم تعقل و تفکر و شک در باره ی کارهای خداوند و پیامبر برگزیده اش! به همراه تهدیدهایی دهشتناک و هول انگیز که همه و همه کافران، مرتدان و از دین برگشتگان را هدف قرار داده اند!
به همین خاطر است که یک مسلمان متعصب، به خود اجازه نمی دهد تا قرآن را بطور دقیق و به زبان مادری خویش بخواند! از این روی به قرائت عربی آن، بدون درک معانی و معنی کلمات اکتفا و بسنده می کند.

به همین دلیل، زمانی که سخن از آزادی زن در چهارچوب اسلام و قوانین و احکام آن به میان می آید، خبرگان و به اصطلاح روشنفکران و متفکران این آیین دست به جعلیات و خلق اباطیل و خرده فرمایشاتی می زنند که شنونده را گیج و بیش از پیش سر در گم و متحیر می نماید! اما از لابلای خرده فرمایشات و آسمان و ریسمان بافتن های آنان چنین استنباط می شود که همگی به جنس دوم بودن و عدم برابری زنان با مردان معتقد و پای بندند!

حتی زنان مدعی روشنفکری و درگیر سیاست و مسائل اجتماعی و فرهنگی ای چون مریم رجوی، گوهر الشریعه دستغیب، فاطمه حقیقت جو و اعظم طالقانی نیز در عین زن بودند بر این باورند و می پذیرند که زن موجودی از جنس دوم بوده است. زیرا آنان نیز در نهایت به استناد به قرآن و درک این برداشت می رسند که: « زن به خاطر وجود نازنین و قدرتمند مرد و نه به طور مستقل و برابر آفریده شده است.» بنا بر این نمی تواند انسانی آزاد و مستقل و دارای حقوق برابر باشد.

زیرا همانطور که در بالا اشاره شد پروردگار عالمیان، زن را نه بصورت انسان مستقل، بلکه به صورت کالایی قابل مصرف آفریده و در اختیار مالک و صاحب اختیاری به نام مرد قرار داده است تا از وی بهره برداری شهوانی و جنسی نماید! آنهم به هر گونه و شکلی که دوست دارد و می پسندد!

« زنان کشتزار شمایند، به کشتزار خود آنگونه که می خواهید وارد شوید.»

تکمیل کننده ی این دستور و فرمان خداوندی، آیه ی سوم از سوره ی نساء است که بی ارزش بودن زن و ارزش کالایی وی را آنهم در حد بنجل ترین و ارزان ترین کالاها به وضوح نشان

می دهد! « **از زنان هرچه خوش دارید بگیرید، دو تا دو تا و سه تا سه تا و چهار تا چهار تا بگیرید.»**

حلاوت و شیرینی این آیه به حدیست که آیت الله محمود طالقانی، پدر روحانی و پیشوای بوقلمون های ملی – مذهبی و تندروان مذهبی ظاهرا آزادیخواه و برابری طلب که خود نیز مدعی روشنفکری دینی و طرفدار قسط توحیدی و هوادار مبارزات به اصطلاح ضد استبدادی و ضد استثماری را نیز به تعریف و تمجید واداشته تا مدعی شود و بنویسد که: « **این آیه با بلاغت خاصی، هم ازدواج را محدود کرده!! هم راه تعدد تا چهار را باز گذارده و تجویز کرده است.»**

به یاد گفته ی یکی از دوستان می افتم، که در همان آغاز انقلاب ۱۳۵۷ و روی کار آمدن ملایان وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه، با به سخره گرفتن اصطلاحات و واژه هایی چون شیطان بزرگ و امپریالیسم و غیره از سوی پاره ای از ملایان و طرفداریشان از زحمتکشان و محرومان جامعه گفت:

- **آخوند مرتع است. حتی پدر طالقانی!**

این آیت الله سوپر انقلابی و عدالت جو که با همه ی ادعاهای عدالت جویانه و آزادیخواهانه با زیارت و ملاقات عارف جماران شارژ می شد و نیرو می گرفت نیز بر این باور است که به دلیل نقض فیزیکی زنان، مردان بر نان برتری و تفوق دارند! زیرا به عقیده ی ابوذر زمان و مجاهد نستوه، ارگانیسم زن و تغییرات اخلاقی و شخصیتی وی به عنوان یک موجود انسانی، نه به وسیله ی مغز، بلکه توسط رحم و محل شکل گیری و رشد نه ماهه ی فرزند، کنترل و اداره می شود.

ملاحظه می کنید؟ بر سلسله ی عصبی و سایر اندام های زن، رحم فرمانروایی می کند نه عقل. نه مغز!

جای شکرش باقی است که حضرت آیت الله اندکی پایین تر نسریده و مدعی نشده که تمام ارگانهای زن توسط آلت تناسلی و از همه مهمتر چوچوله ی او کنترل و فرماندهی می شود! زیرا او و نیاکان شهوت ران و منحرفش با همه ی عقده های ادیپی و زن ستیزانه ای که در ذات و جوهره ی ناپاک و کج اندیش خود دارند، در موقع همخوابگی با زن و عمل جماع، تا بدانجا می رسند که بوسه زدن بر آلت تناسلی زن، مالیدن و ماساژ دادن آن و بازی با چوچوله را با هدف آمده کردن زن و لذت بیشتر، نه تنها واجب و امری ضروری می دانند! بلکه برای این کار هزاران دلیل پزشکی و روان شناسانه نیز می تراشند!

آیت الله استثمار شکن و ضد تحمق و اوهام گرایی و خرافات، در ادامه سخنان گهربارش مدعی می شود که:

« **برای مردان از جهت ساختمان طبیعی و وضع اجتماعی پایه ی برتریست. بر همین پایه مردان تکیه گاه و سرپرست زنانند.**»

تصور می رود که با همین جمله ها و نمونه های گزیده شده، از عدل و مساوات و برابری طلبی خداوندی و آزاد اندیشی به اصطلاح روشنفکران دینی حیرت زده و متعجب شده باشید.

بنا بر این ادامه ی بررسی و مطالعه ی بیشتر در باره قوانین و احکام اسلامی و نظریه اسلام شناسان و مروجین این آیین در باره ی نیمی از جمعیت شش میلیاردی جهان را به عهده ی خودتان می گذاریم و به بحث اصلی یعنی مسئله زن از دیدگاه ائمه ی دین و بررسی این امر که این موجود تنها وسیله لذت و تفریح و جماع مردان بوده و هست می پردازیم!

« **وَ انکحُوا الأیامی مِنکُم و الصّالِحینَ مِن عِبادِکم و امائِکُم ان یَکُونوا فُقراء یُغنِمُ الله مِن فَضلِهِ وَ الله واسِعٌ علیم.**»[1]

---

[1] – قرآن، سوره ی نور، آیه ۳۲

(باید وسیله و امکان ازدواج مردان بدون زن و زنان بدون شوهر و بردگان و کنیزان صالح را مهیا کنید و چنانچه تهیدست و نیازمند باشند، خداوند از فضل و رحمت خویش آنان را بی نیاز می سازد و خداوند گشاینده و داناست.)
نیازی به تفسیر و شکافتن آیه نیست! چون خود به اندازه ی کافی روشن و گویاست!
تنها ذکر این مسئله لازم است که رهبران و پیشوایان دینی، هیچگاه و در هیچ زمانی، به همین توصیه های آبکی نیز وقعی ننهاده و در ازایش تره هم خرد نکرده اند! سفیهان و جهل اندیشان حاکم بر ایران را بنگرید. اندکی در باره ی گذشته و حال آنان فکر نمایید! غارتگری و چپاولگریشان را از نظر دور مدارید و ببینید که روضه خوانان و گدایان دیروز، چگونه با چنگ انداختن بر ثروت های ملی کشوری ثروتمند و مردمی محروم و زحمتکش، به چه ثروت های باد آورده و اندوخته ها و گنجینه های افسانه ای و باور نکردنی ای دست یافته اند!
در مقابل به اوضاع نابسامان مملکت امام زمان، امت پیامبر، مریدان و دوستداران ائمه و بویژه جوانان ایرانی نیز توجه نمائید! کدام یک از این زالوهای خون آشام و کفتار صفتان ضد مردمی به حال و آینده ی دختران و پسران جوان این سرزمین می اندیشند و غم شان را می خورند؟ تا به گفته و توصیه ی پروردگارشان وقعی نهاده باشند؟ از ان طرف، فضل و رحمت و کرم پروردگارشان کجا است تا شامل حال این توده ی عظیم بی سرنوشت و بدون آینده ی روشن و مشخص گردد؟ توده ی جوانانی که بیکاری، نداری، ظلم، بیداد، سرکوب، شکنجه و اعدام رژیم ملایان را هر روز تجربه می کنند و در برزخ مرگ و زندگی روزگار می گذرانند و کمترین امیدی به آینده ی خود ندارند!

حال ببینم که چرا و به چه دلیل خداوند سبحان به فکر ازدواج زنان بی شوهر و مردان مجرد می افتد؟

(روایت شده است چون آلت مرد برخاست، دو ثلث عقل وی می رود و در تفسیر قول خدای تعالی که فرموده: و من شر غاسق اذا وقب وارده شده که یکی از تعابیر آن این است که شر آلت هرگاه که بر خیزد یا داخل شود.)[1]

پس هدف و توصیه در امر ازدواج، جلوگیری از وقوع یک شر و غائله و پیشگیری داهیانه از یک فتنه است. عامل شر و فتنه نیز از قبل شناسایی و مشخص گردیده است. این عامل دارای پیشینه و سوابق مشخص و معینی است که علمای دین در دوران نوجوانی و جوانی و پیش از آنکه مصدر امری قرار گیرند و به نیابت و ولایت دست یابند، یعنی دوران طلبگی با آن آشنایی کامل دارند و شر آفرینی و فتنه بر انگیزی اش را به شخصه و بطور مستمر تجربه نموده اند!

مشکل عمده و شر آفرین، آلت مردانه است. « **و من شر غاسق اذا وقب** » یعنی چون بر خیزد و داخل شود، مسئله ای کوچک و قابل اغماض نبوده و نیست! چون در غیر این صورت دلیلی نداشت که خداوند عالم، رسیدگی به امور کهکشان های بیکران و تقسیم رزق و روزی موجودات زنده و هزاران گرفتاری و مصیبت دیگر را رها و امین خود، یعنی حضرت جبرئیل را به صحرای عربستان بفرستد تا خطر موجود را به آخرین رسول و فرستاده ی خود که منجی بشریت است، ابلاغ و گوش زد نماید تسریع نماید که به مجرد برخاستن و نیم خیز شدن، به محلی داخلش کنید و گریبان خود را از فتنه و شرش بر هانید!

پس آلت تناسلی مرد از اهمیت و تقدس خاصی برخوردار است! باید مواظبش بود! تحریکش ننمودم و زمینه ای فراهم نیاورد تا

[1] – معراج السعاده

خشمگین و عصبانی شود! همانطور که رعایا وظیفه دارند در مقابل خلفای الله و پادشاهان زورگو و ستمگر مطیع و سر براه باشند و جز در مسیر رضایتش گام برندارند!
خطر و فتنه انگیزی آلت نرینگی مردانه، تا بدانجاست که اگر خدای ناکرده از جای برخاست و در مرتبه ی قیام جای گرفت، یعنی در نتیجه ی طغیان شهوت بر انگیخته شد، فیل هم جلو دارش نیست! در مرحله نخست به مرکز فرماندهی بدن، یعنی عقل هجوم می برد و قدرت تصمیم گیری را از انسان سلب می کند.
ذکر یا آلت مردانه، از چنان قدرتی برخوردار است که اگر بدان توجه ای نشود و مورد بی مهری بیشتر قرار گیرد، ممکن است مزاحمت هایی برای حاکمیت و پیشوایان جلیل القدر و متعصب و آخرت فروش مسلمین فراهم آورد. و از آنجا که چهره ی ظاهری اسلام عزیز نباید خدشه ای ببیند و گردی بر دامن کبریائیش بنشیند، بر پیشوا و حاکمان وقت است که مواظب جنبش و حرکتهای مشکوک این آلت خبیث باشند و به سرعت آن را به سویی هدایت نمایند که دلخواه اوست!
هدایت و رهبری آلت تناسلی مرد بسوی هدف دلخواه و مورد پسندش، باعث می گردد تا از فتنه های دیگری نیز جلوگیری به عمل آید! زیرا پس از همخوابگی مرد با زن که با هدف پیشگیری از فتنه صورت می گیرد، رحم، یعنی مرکز فرماندهی زن و محلی که حکم مغز این موجود نیمه انسان را دارد نیز مشغول و خطر وقوع فتنه ای از نوع دیگر از میان می رود.
از آنجا که غارتگری و چپاول، وظیفه ی اصلی و درجه اول رهبران و پیشوایان دینی و مذهبی است و نمی توانند دمی از آن غافل بمانند، بهتر است تا زمینه ی رشد و استمرار فساد جامعه را فراهم آورند و با همه ی توان به آن دامن بزنند! فساد و

فحشاء ای که می بایست در خفا و دور از دیدگان کور حکومتیان و نه توده ی زجر کشیده و محرومی که فقر و گرانی و نکبت و ادبار خلافت اسلامی را با گوشت و پوست و استخوان خود حس می کنند، رشد و به حیات خود ادامه دهد.
چند لحظه ای دست از تعصب های خشک و سبکسرانه بداریم و مهار کنترل رگ های گردنمان را به عقل بسپاریم. تا ببینم و بدانیم که فساد و فحشاء ی حاکم بر ایران اسلامی، امارات متحده ی عربی، عربستان سعودی و ... که از ثروت های سرشار نفت و گاز برخوردارند و ظاهرأ بر اساس قوانین شریعت مبین، با فحشاء مخالفند و حدود و تعزیرهای اسلامی شلاق و سنگسار را به اجرا در می آورند، در کمتر کشوری به چشم می خورد! و این امر مربوط به دیروز و امروز و فردا نیست! بلکه با آیین جهانشمول اسلام و شیوه ی دولت مداری، همه ی خلفای الله، پادشاهان اسلام پناه و مروجین و پیشوایان این کیش گره خورده است! به نحوی که به راحتی و آسانی دست از گریبان توده ی مردم فقیر و محروم بر نمی دارد!
از دیدگاه و نظریه ی زن کالایی اسلام عزیز و تبلیغات شهوانی آن در طول تاریخ که بگذریم، مشاهده خواهیم نمود که در جهان یک قطبی امروز، با همت و تلاش شبانه روزی سردمداران کشورهای سرمایه داری و پیشرفته ی صنعتی، زن بیش از هر زمان و دوران دیگری به کالا مبدل شده و تجارت سکس به یکی از پر رونق ترین و سودآورترین رشته های تجاری تبدیل شده است. به طوریکه سردمداران و دست اندر کاران کشورهایی چون اسرائیل و امارات متحده ی عربی، که کشورشان نقش پل عبور را در انتقال این کالا به بنادر و بازارمصرف که همانا فاحشه خانه های معروف جهان است، بازی می کند، سالانه ثروت های هنگفت و چندین میلیونی ای به جیب می زنند!

بر اساس آمار و ارقام منتشره از سوی پاره ای از سازمان ها و محافل مترقی و مدافع حقوق انسان ها، ز کشور امارات متحده ی عربی و بازار برده فروشی فجیره که سالانه تعداد زیادی از جوانان دختر و پسر ایرانی در آن به فروش می رسند که بگذریم، سهم دولت مردان اسرائیلی که مرکزی در صحرای سینا و در مجاورت مصر را به این کار اختصاص داده اند، از این ثروت باد آورده بیش از دیگران است!

کشورهای عقب مانده ی صنعتی و دولتمردان مرتجع و دست نشانده ی آنان نیز به همان راحتی و سادگی که مواد اولیه و خام کارخانه های صنعتی غرب را تأمین نموده و از کیسه ی خلیفه های دردمند و زجر کشیده و نیروی کار بی بهای مزدوران و زحمتکشان سرزمین هایشان، با قیمتی ارزان در اختیار اربابانشان قرار داده و می دهند، کالای مورد نیاز بازار جدید را نیز تهیه و با دست و دل بازی به بازار پر مصرف آن سرازیر می کنند! به دیگر سخن، از آن جا که خدای سرمایه، به چیزی غیر از سود آوری و درآمد بیشتر از هر راه ممکن نمی اندیشد و به خاطر این سود دست به هر جنایت و اعمال ضد بشری و غیر انسانی می زند، دولتمردان و فرمانروایان سودجو و منفعت طلب کشورهایی چون ایران را به دلال ها و قرمساق های مدرن و امروزین این بازار مبدل کرده است! به دیگر سخن، از تعداد و شمار زنان و دختران فراری و تن فروش شهرستانها و ام القرای اسلامی، یعنی مرکز خلافت دستگاه خلیفه گری شیعه که بگذریم، با توجه به اخبار و اطلاعات منتشره در باره وضعیت زنان و دختران ایرانی و خرید و فروش آنها در بازارهای برده فروش پاکستان، امارات متحده ی عربی و سایر شیخ نشینی های کناره ی جنوبی خلیج فارس، در می یابیم که ولی امر مسلمین و پیشوای شیعیان جهان و مافیای پیرامون وی که خود را هموار

کنندگان راه ظهور مهدی صاحب الزمان می دانند، با همه ی سبعیت و درنده خویی هایی که در حق ملت زجر کشیده و در بند ایران روا می دارند، پادوهای ناچیز، پا اندازهای بی ارزش، جاکش های ارزان قیمت و قرمساق های خوار و ذلیل فاحشه خانه های بزرگ دنیای سرمایه داری بیش نیستند! هر چند که دم از اسلام ناب محمدی می زنند و قوانین و احکام عهد دقیانوس را در حق ملتی دردمند و با فرهنگ روا می دارند!

خدای سرمایه، نه تنها آنان را به قسی القلب ترین، جنایتکارترین و تبهکارترین موجودات روی زمین تبدیل و خدای و دین و آئین شان را به زانو در آورده و وادار به کرنش در برابر خود نموده، بلکه خودشان را نیز با همه ی ادعاها و زاهد نمایی ها به دلالی محبت و جاکشی واداشته است. هر چند که آنان می توانند با تفسیر و شکافتن هسته ی اصلی و گوهری « **و من شر غاسق اذا وقب** » به توجیه اعمال خود بپردازند و هدف نهایی خویش را پیشگیری از بلند شدن آلات تناسلی مردان و رفع فتنه در عالم که زمانی شعار محوریشان بود و عربده کشان اعلام می کردند « **جنگ، جنگ تا رفع فتنه در عالم** » بخوانند!

وضعیت موجود ایران و باتلاق متعفن و گندیده ای به نام جامعه ی اسلامی و حکومت امام زمان را در نظر بگیرید و با شدت و ضعف به تمامی کشورها و سرزمین های اسلامی از افغانستان و بنگلادش و پاکستان تا نیل، و از افریقا تا شبه جزیره بالکان تعمیم دهید تا دریابید که زنده یاد ایرج میرزاء بی دلیل و از روی باد معده نسروده است که:

جز گه گند و کثافات چیزی
اندر این شهر ندیدم بنده
هر کجا شهر مسلمانان است
از گه گند بود آکنده

با این پیش در آمد، می پردازیم به بیان خصوصیت و مشخصه ی زن از دیدگاه بزرگان و پیشوایان دین اسلام.

« پیامبر فرمود: آیا می خواهید بهترین زنان را به شما معرفی کنم؟ گفتند: آری یا رسول الله! **فرمود: بهترین زنان کسانی هستند که بچه زیاد می آورند و با عاطفه و محبت و عفیف و پوشیده هستند، در خانواده اش عزیز و محترم و برای شوهر متواضع و فروتن می باشد، شوخ و اهل مزاح است و نسبت به مردان پوشیده و خود دار می باشد، به سخن شوهر گوش فرا می دهد و فرمانبرداری می نماید، در خلوت خودش را برای همسرش می آراید و چون مردان ترک زینت نمی کند.»**[1]

می بینید که زن، به عنوان نیمی از جمعیت فعال جامعه و موجودی که در طول تاریخ پا به پای مردان در تولید علم و دانش و نعم مادی شرکت جسته و در خلاقیت های اقتصادی، سیاسی، هنری، فرهنگی و غیره سهم گرفته، در نظر گرفته نمی شود. لیاقت بر خورداری از حقوق برابر و همگامی با مردان را ندارد! برده ایست که باید مطیع، فرمانبردار و تو سری خور مرد باشد. آفتاب و مهتاب چهره ی پوشیده و اغوا کننده اش را نبینند! در اندرونی و پستو بماند! موهای زائد بدنش را بزند! حمام بکند! آرایش بنماید. با بدنی معطر و سر و رویی آرایش کرده به بستر برود! رختخواب را گرم نگاهدارد. سکس ارائه بدهد. به همه ی خواهش های نفسانی و شهوانی سرور و مولای خود، یعنی مرد پاسخ گو باشد. و همانند ماشین جوجه کشی به تولید بچه و پرورش مسلمانان جوان همت بگمارد.

---

[1] – مکارم الاخلاق، شیخ طبرسی. برای اطلاع بیشتر، باب های رغبت به ازدواج، انواع زنان و اخلاق شان، آداب زفاف و آمیزش، برکت و شومی زن و ... از این اندیشمند بزرگ و نابغه ی عصر عالم اسلام را مورد مطالعه و بررسی قرار دهید!

این موجود، حق تحصیل ندارد! چون آفتاب و مهتاب در کمین اند. نباید در کارهای تولیدی و تحقیقاتی شرکت جوید. چون مردان غریبه صدایش را می شنوند. همیشه در حجابی تیره و تار مستور باشد. چون به گفته ی سید ابوالحسن بنی صدر، این ملا و ملا زاده ی بی عمامه و عبا و اولین رئیس جمهور حکومت جهل و جنایت، « **از موهایش اشعه ای ساطع می شود»** که مردان کمر سست و بی بند شلوار مسلمان و زاهد پیشه ی ریاکار را از راه به در و به دنبال خود به جهنم می کشاند.

« امام جعفر صادق فرمود: زن خوب و زن بد قیمت ندارد. زن خوب از طلا و نقره با ارزش تر است و زن بد از خاک هم پست تر می باشد.»[1]

میزان خوبی و بدی، همانست که در قرآن و سخنان حکمت آمیز پیامبر و بزرگان دین آمده است. « **زنان شما کشتزار شما هستند! به هر طریق و هر طور که دلتان خواست و میلتان کشید به آن وارد شوید و در حد توان و بضاعت جنسی تان در آن بذر پاشی کنید تا رستگار شوید!»**

زن خوب و فرمانبر و پارسا
کند مرد درویش را پادشاه

زن خوب، در مرحله نخست باید یک برده سکسی باشد. با بدن تمیز و معطر وارد رختخواب شود! تمامی اندام ها و اجزاء شهوت انگیز بدنش از قبیل لب ها، گردن، سینه، پستان ها، ناف، کپل، ران ها، معقد و آلت تناسلی اش را به همراه ناز و عشوه و

---

[1] – من لایحضره الفقیه. شیخ صدوق (ابن بابویه). از این دانشمند اسلامی و همین منبع، باب های نکاح، جماع، آداب نوره کشیدن و ... مطالعه کنید تا بدانید که جهان اسلام چه نوابغ و فیلسوفانی را در دامان خود پرورش داده است. آنگاه در خواهید یافت که غرب وحشی و کافر کیش، اگر از وجود این علمای بزرگوار و آثار علمی شان بهره می گرفت، تا کنون به کجا رسیده و به چه پیشرفت های شگفت آوری دست یافته بود! خدا به بشریت رحم کرد!

لوندی و کرشمه و کلمه ها و جمله های عاشقانه و تحریک کننده، در اختیار مرد قرار دهد! همه مهارت و فن آوری های سکسی اش را بکار گیرد تا مرد را به اوج لذت و بهره برداری جنسی برساند! خانه دار ورزیده و با تجربه ای باشد! چون ماشین جوجه کشی بچه پس بیندازد!

همین! در غیر این صورت، اگر به هزاران هنر و دانش آراسته باشد، ارزشی ندارد. نه تنها ارزشی ندارد، بلکه از خاک راه هم پست تر و بی بها تر است!

خوبی و بدی، زیبایی و زشتی زن، از نظر نابغه ی بزرگ دنیای اسلام و مذهب تشیع و بنیان گذار مکتب جعفری، یعنی امام جعفر صادق، علاوه بر سکسی مطبوع و شهوت برانگیز، اثر درمانی و ابتلا به امراض مضر و خطرناک را نیز می تواند در پی داشته باشد! یعنی می تواند چون پر خوری انجیر و نوشیدن قطره ای زهر، خناق و مرگ را به ارمغان بیاورد!

« امام صادق فرمود: زن زیبا رو، بلغم (عفونت) را قطع و زن تیره چهره (زشت منظر) باد سودا را تحریک می کند.»[۱]

این اراجیف و یاوه گویی ها را که از مغز نابغه بزرگ اسلام تراوش نموده در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی کنید!

انسانیت، هوشمندی، ذکاوت، توانایی، همگامی، همراهی، حق طلبی و میزان کاریی و نقش سازنده ی زن در جامعه و در زمینه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، تولیدی و ... کاملا نادیده گرفته می شود و آنچه مدّ نظر این پیشوای بزرگ دینی – مذهبی است، همانا زیبایی ظاهری زن، اندام متناسب و تحریک کننده ی هوس و آلت تناسلی است! یعنی وی به دنبال عروسکی

---

[۱] – فروع کافی. شیخ محمد ابن یعقوب کلینی (کافی)، دارنده اصول کافی و دیگر آثار گرانبها و ارزشمندی در تفسیر و تشریح اصول جهانشمول اسلامی. برای اطلاع بیشتر، از همین کتاب، فصل نکاح، باب های نکاح، متعه (صیغه)، جماع، مساحقه (جلق زدن) و ... را مورد مطالعه قرار دهید!

می گردد که وسیله و ابزاری برای خاموش کردن آتش شهوتش باشد. مبادا که آلت تناسلی مبارک ایشان را ارضاء نکند و آن را به سرکشی و تمرّد در برابر خدای قهار وادارد! سایر شیعیان و دوستداران ائمه نیز باید از ایشان تبعیت نمایند و زنانی برگزینند که با زیبایی خود نه تنها شراره های سرکش شهوتشان را سرد نماید، بلکه درمانگر بلغم و عفونت بدنشان نیز باشد. مبادا که آلت تناسلی شان بر خیزد و فتنه ای برانگیزد که دامان خلفای خداوند بر روی کره زمین را بگیرد و کاری کند کارستان!

« شخصی از غلبه بلغم (عفونت) به امام صادق شکایت کرد. آن حضرت فرمود: آیا همسری داری که تو را راضی و خشنود کند و بخنداند؟ گفت خیر! فرمود: پس برو همسری اختیار کن و آن سبب می شود که بلغم از تو دفع شود.»[۱]

جالب توجه است که مراجعه کنندگان نیز با روحیه و اخلاق پیشوایان خود آشنایی و اطلاع واثق دارند! هیچ کدام از ظلم و ستم شکوه ای ندارند. از گرانی و کمبود نمی نالند! معضل و مسئله غامض و لاینحلی در جامعه ی پیرامونی خود مشاهده نمی نمایند! آنچنان در دریای عدل و داد اسلامی غرقند و از دستاوردهای علم و دانش و تمدن برخوردارند که نگو و نپرس! تنها مشکل و گره ناگشوده شان مسائل جنسی و دردهای حاصله از عدم برخورداری از سکس و رسیدن به کعبه ی مقصود است! اینست که صبح زود به خدمت حضرت امام که متخصص و کارشناس این مسائل است می رسند و از راهنمایی ها داهیانه ی ایشان بهره می برند! دست به زانو می نشینند و سراپا گوش می شوند تا امام ضمن بر شمردن خصوصیت زنان شهوت بر انگیز و ارضاء کننده، شیوه بهره برداری و استفاده از این وسیله ی ارضاء شهوت را بدانان بیاموزد!

---

[۱] ـ منبع بالا.

و از آنجا که هر کسی بر ظن خود، سخنان نغز و گهربار بر زبان می آورد، امام اول شیعیان که از قدی کوتاه و چهارشانه بر خوردار بوده، لذت بیشتر را در هم آغوشی و همخوابگی با زنانی چون خود می یابد و مرغ دلش به سوی چنین زنانی پرواز می کند!

« امیر مؤمنان علی فرمود: هر کس بخواهد هنگام جماع لذت بیشتر ببرد، زن کوتاه قد و چهارشانه گندمگون بگیرد، چنانچه لذت بیشتر ببرد، مهرش بر عهده من است.»[۱]

حضرت با حوران بهشتی، بر اساس اندازه و مشخصاتی که ملا محمد باقر مجلسی و دیگر محققین و بزرگان دنیای اسلام، پس از سفر به فردوس برین و بازگشت از آن سفره پر مخاطره به رشته ی تحریر در آورده و در اختیار امت اسلامی قرار داده اند، چه خواهد کرد؟ به چه میزان لذت خواهند برد؟ این معماییست که تنها قادر متعال قادر به حل آنست. آن هم بدین طریق که پس از گذشت میلیونها سال، مجبور است دوباره در کارگاه خلقت را بگشاید، پشت چرخ کوزه گری بنشیند و حوریانی در اندازه و شکل و شمایل دلخواه حضرت، خلق نماید تا حضرتشان در بهشت برین و جوار حق تعالی از جماع خود لذت ببرنند و سرخوش و سرمست بخرامند! گر نه بعید نیست که از فشار سودا و بلغم روزگارشان تیره و تار گردد و چون آلت تناسلی مقدس و پر برکتشان بلند شود، کله ی بی مقدار همه ساکنان باغ ملکوت را مانند مردان طایفه ی بنی قریضه و مثل سر گنجشک از تن جدا خواهند فرمود!

زن موجودی است که در همه ی احوال باید مطیع و فرمانبردار شوهر خود باشد! تا خدای مرد سالار و خلفای زن ستیزش را به خشم نیاورد و خاطر مبارکشان را نیازارد. درجه و میزان این

---

[۳] ــ مکارم اخلاق. شیخ طبرسی.

سرسپردگی و تسلیم برده وار چقدر است؟ از آنجا که وظیفه ای جز همخوابگی و مهار آلت تناسلی مردان، برای زن تعیین و مشخص نشده است، وی وظیفه دارد تا در حالت و هر زمانی بند تنبان در دست و آماده به خدمت باشد! بدون هیچ عذر و بهانه ای! تا بدان جا که سوار بر مرکب نیز نباید دچار غفلت و نسیان گردد و وظیفه ی خطیرش را از خاطر ببرد! بدین معنی که با اشاره ی شوهر و مشاهده ی آلت بر خاسته اش، می بایست از مرکب پیاده و آماده ی جماع گردد! حالت بهره برداری و عمل شهوانی نیز به اراده ی مرد بستگی دارد! زیرا اوست که به فرموده ی خدای عالمیان تصمیم می گیرد از کدام سوی و به چه طریقی وارد کشتزارش گردد و آتش شهوتش را فرو نشاند!

« خوله به نبی اکرم عرضه داشت: یا رسول الله! من خود را برای شوهرم همچون عروس که به زفاف می رود، معطر و آراسته می کنم و به بسترش می روم و او به من پشت می کند. دوباره به طرف صورت او می روم. باز به من پشت می کند. به نظرم می رسد که از من ناراحت است. چه دستور می فرمایید؟ پیامبر فرمود: از خدا بترس و از همسرت اطاعت کن. خوله پرسید: حق من بر گردن او چیست؟ حضرت فرمود: خوراک تو را از هر چه خود می خورد، تامین کند و آنچه می پوشد برای تو نیز بخرد و سیلی به صورت تو نزند و داد بر سرت نکشد! خوله پرسید: حق شوهر بر من چیست؟ رسول خدا فرمود: بدون او از خانه بیرون نروی و روزه مساحبی بی اجازه او نگیری و بدون اجازه او از خانه اش صدقه ندهی و اگر سوار مرکب باشی و تو را بخواند، برای جماع اجابت کنی.»[1]

جای شکرش باقی است که خداوند تبارک و تعالی، پیامبر و امامان شیعه را بر گزید تا وظیفه ی خطیر حل مسائل سکسی و

[1] ـ مکارم الاخلاق. شیخ طبرسی.

پاسخ به سئوالهای مسلمین در باره ی همخوابگی و اعمال و احکام جانبی آن را به نحو احسن بر عهده بگیرند!
از سوی دیگر، لازم است تا مراتب قدر دانی و امتنان خود را نسبت به دانشمندان و اندیشمندان بزرگ ایرانی به جای آورد. زیرا اگر اینان تراوش های گند و متعفن زن ستیزانه ی خود را در عین شهوترانی و بی بندباری های حیوانی شان به رشته ی تحریر در می آوردند و چون مجموعه ای مشمئز کننده به یادگار نمی گذاشتند، معلوم نبود که امروز چه وضعیتی داشتیم و نیمی از جمعیت فعال کشورمان با چه مسائل و معضل هایی درگیر و دست به گریبان بودیم!
اگر مسائل مطروحه در این باب و احادیث مربوط به جماع و نکته ها و دستورات پیرامون آن را که توسط فیلسوفان و اندیشه ورزان فرج پرست و شهوتران بزرگ اسلام را که به نحوه ای مالیخولیایی به این مسئله پرداخته اند، دقیقاً مورد بررسی و کنکاش قرار دهیم، در خواهیم یافت که عمر مبارک و با سعادت هیچ یک از این افراد، با توجه به امور دست و پا گیر حرمسراها و شهوترانی های بی حد و حصری که در همه ی دوره های اسلامی رواج داشته، کفاف نمی داده تا آن بزرگان این همه احادیث و روایت ها را بر زبان بیاورند و بیادگار بگذارند!
از احادیث و روایت های بر جای مانده چنین استنتاج می شود که عبادت و نیایش پروردگار عالمیان نیز در برابر خواهش و تمنای شهوانی مرد و بلند شدن آلت تناسلی اش پشیزی ارزش و اعتبار ندارد! زیرا زنان فرمانبر و پارسا، یعنی زنانی با الگوهای ناب اسلامی نیز بدون اجازه و مجوز خدای خانه، یعنی مرد که در خُلق و خوی و منش شباهت های عدیده ای با پروردگار جهان دارد، اجازه ندارند به عبادت و نیایش خالق خود بپردازند. آنهم در زمانی که مرد در رختخواب دراز کشیده و منتظر است تا

وسیله لذت و دفع شهوتش را در آغوش بگیرد و پس از بوس و کنار و ماساژ پستان ها و فرج و کپل و پهلو، عمل دخول را انجام و خود را ارضاء نماید.
هدف پیامبر و دیگر پیشوایان و رهبران دین، باز نگه داشتن دکان اسلام و خدای آسمانی است! به هر قیمت و هر روشی که ممکن است. اگر قرار باشد، عبادت و نیایش پروردگار عالم، خشم مردی را که با خلق و خوی و منش پروردگار آفریده شده به خاطر نیایش پروردگار بر انگیخت. پس همان بهتر که توصیه ی با طمأنینه خواندن نماز به دست فراموشی سپرده شود! و حتی در صورت لزوم ترک شود!
بی جهت نبود که آیت الله روح الله موسوی خمینی، نماز یعنی ستون دین را به خاطر حفظ اسلام تعطیل بردار اعلام نمود!
« امام باقر فرمود: رسول خدا به زنان می فرمود: وقتی که همسرانتان می خواهند با شما نزدیکی کنند، نماز خود را به درازا نکشد. »[1]
زمانیکه عبادت و نیایش پروردگار به خاطر جمال بی مثال آلت تناسلی مرد و امیال شهوانی وی نباید به درازا کشیده شود، آسایش، آرامش، استراحت و خوابیدن زن که وسیله لذت و فرو نشاننده ی شراره های شهوت است، چه معنی و مفهومی دارد؟!
حتی اگر این موجود از هنگام سپیده دم تا نیمه های شب به کار خانه داری، پرورش و تربیت جهادگران آینده ی اسلام و هزاران درد و رنج الم مشغول و گرفتار بوده و توان و رمقی در بدن نداشته باشد!
« امیرالمؤمنین فرمود: خوابیدن برای زن حلال نیست تا زمانی که خود را بر همسرش عرضه کند؛ یعنی زن لباس خود را از تن در آورد و به بستر شوهر برود و به او بچسبد.»[1]

---
[1] – فروع کافی. یعقوب کلینی.

آن هم در حالی که موهای زائد بدنش را زده و گردن، ناف، پستانها و زیر بغل و اطراف فرج اش را شستشو داده و با عطرهای خوشبو، معطر نموده و با همه ی درد و گرفتاری لبخندی بر لب و بذله گویان است! چه اگر چنین نکند و دیر وقت به بستر رود و رضایت شوهرش را پیش از بخواب رفتنش از طریق جماع و سکس ناب فراهم نیاورد، مورد لعن و نفرین فرشتگان و سکنان حرم سّر عفاف قرار خواهد گرفت!
از زن، بیچاره تر و مفلوک تر فرشتگان اند که موظفند نبض آلت تناسلی مردان مسلمان را در بیست و چهار ساعت شبانه روز در دست داشته و بر کار جماع و ارضای شهوانی او نظارت و دقت عمل داشته باشند!
البته این وظیفه می تواند به آن دلیل باشد که کپی برداری مرد از روی مدل خداوندی صورت گرفته است! و از آنجا که پروردگار عالمیان یکه و تنهاست و شریکی هم ندارد، تا چه رسد به زنی که شب در آغوشش کشد و ضمن بازی کردن و بوسه زدن بر آلت تناسلی اش با او همخوابه شده و عمل جماع را انجام دهد، از فرشتگان مقرب و غیر مقرب خواسته شده تا با مشاهده ی عملیات سکسی و شهوانی کپی، به مغز خود ارجاع و نحوه ی برخورد و شیوه ی اصل را درین باره حدس بزنند!
« امام صادق فرمود، زنی نزد پیامبر اسلام آمد. حضرت به آن زن فرمود: گویا تو از تسویف دهندگانی؟ پرسید تسویف دهنده کیست؟ پیامبر فرمود: زنی که شوهرش او را برای حاجتی صدا کند و او همچنان شوهر را سر بگرداند تا وقت بگذرد برای جماع که شوهر به خواب رود. چنین زنی را ملائکه لعنت کنند تا شوهر از خواب بر آید.»[۲]

[۲] – مکارم اخلاق. شیخ طبرسی
[۳] – مکارم اخلاق.

اگر پایه و اساس را چنین انتخاب کنیم، نتیجه می گیریم که دل های فرشتگان و ملائکه با دیدن ذکر یا آلت تناسلی بلند شده ی مردان که بر خلاف زنان کپی برابر با اصل پروردگارند، و مشاهده ی عمل موفقیت آمیز جماع آنان آرام می گیرد. و در حالت قرار و آرام است که دست از نفرین و لعنت نمودن زن خطاکار دست بر می دارند!

گناه نافرمانی این برده ی جنسی و موجودی که تنها به خاطر ارضاء تمناهای شهوانی مرد آفریده شده است، بی نهایت سنگین و غیر قابل اغماض و چشم پوشی است. به نحوی که اگر غفلت بورزد و بموقع بدن و آلت تناسلی اش را در اختیار مصرف کننده، یعنی مرد قرار ندهد و بی جهت تعلل بورزد، او را تا درک اسفل و قعر جهنم سوزان و شعله ور می کشاند.

« امام صادق فرمود: اگر زنی برای شوهر خود سینه و پستان را بریان کند، حق شوهر را ادا نکرده است و اگر با این همه، یک لحظه نسبت به شوهر نافرمانی کند، در درک اسفل جهنم جای گیرد. مگر آنکه توبه نماید. »[1]

مرد نیازی به سینه و پستان بریان شده زن ندارد! این شبه پروردگار بدن معطر، سینه و پستان خوشبو، موهایی شسته و شانه کرده، ران و ساق و آلت تناسلی ای نوره کشیده و صاف و منزه می خواهد! تا لذتی ببرد و دخولی انجام دهد و آسوده خاطر سر بر بالش بگذارد و با خیال راحت به خواب برود! آنهم نه بخاطر خود. بلکه به خاطر نیازهای زن و پیشگیری از فساد و بی حیایی او که پاسدار شرف و حیثیت خدای خود یعنی مرد است!

خود خواهی و خود بزرگ بینی این موجودات حقیر و بی مایه به حدیست که با همه ی دغلکاری ها، نیرنگ ها و دام گستری ها و

[1] – مکارم اخلاق. شیخ طوسی

حتی جنایاتی که برای به دست آوردن و همخوابی با زنی به کار می ببندند و جامعه ای را به سوی فساد و فحشاء سوق می دهند، وقیحانه ادعا می کنند که مردان را رغبتی آن چنانی نسبت به زنانی نیست! بلکه این زنان هستند که به دلیل ذات شیطانی و شهوت پرست خود نیازی مبرم و حیاتی به مردان دارند! آنهم نه به دلیل وابستگی های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره. بلکه صرفأ به علت نیازمندی های جنسی و همآغوشی و خواباندن آلت تناسلی بلند شده ی مردان که شر آفرین و فتنه انگیز است. اصولا زنان با عشق و علاقه ی وافر نسبت به آلت تناسلی مرد به دنیا می آیند! با رؤیاهای آن بزرگ می شوند و تا پایان عمر به خاطر آن زندگی می کنند و انواع و اقسام تحقیرها، توهین ها، تبعیض ها و رفتارهای حیوانی و ضد بشری را از جانب هر ناقص الخلقه ی کوتوله و عقب مانده ای متحمل می شوند! و از آنجا که همدست و فرمانبر شیطان هستند، بر سر راه مردان، این بره های معصوم خداوند ظاهر می شوند! دام می گسترانند و با انواع و اقسام ترفنده ها و توطئه های شیطانی او را وسوسه و از راه بدر می کنند. تا بر تعداد سپاهیان شیطان بیفزایند و آمار جمعیتی جهنم را بالا ببرند!

« امام جعفر صادق می فرماید: چهار چیز است که هیچ گاه از هم دیگر سیر نمی شوند. زمین از باران؛ چشم از نگاه؛ عالم از علم؛ و زن از مرد.»[1]

که مورد سوم، بیش از دیگر موارد مسخره و خنده آور به نظر می رسد. به دیگر سخن، به یک شوخی و مزاح جلف و مسخره بیشتر شباهت دارد تا حقیقتی ساده و روشن.

زیرا کتاب سوزان مسلمانان صدر اسلام و جمهوری اسلامی ایران که بی شباهت به کتاب سوزان نازی ها در دوران جنگ

---

[2] – من لایحضره الفقیه. شیخ صدوق (ابن بابویه).

جهانی دوم نبوده و نیست، در قلب تاریخ به ثبت رسیده و هیچگاه از خاطره ی بشریت مترقی و رهایی طلب محو نخواهد شد.
همین طور انتقام و اعمال غیر انسانی و ددمشانه ای که توسط رهبران و پیشوایان این دین، در طول تاریخ نسبت به اندیشمندان و عالمان مترقی و دگراندیش اعمال و روا دشته شده است. هنوز فریاد مظلومیت و داد خواهی عین القضات ها، حسین ابن منصور حلاج ها، حکیم عمر خیام ها، قرة العین ها و ده ها و صدها نویسنده و محقق و روشنفکری که در طول تاریخ و طی فرمان خمینی و دار و دسته ی خونآشام و جنایت پیشه اش شربت شهادت نوشیده یا در گوشه ی دخمه های قرون وسطایی زندانها پوسیده اند، بلند است و در دهلیزهای تاریخ و مغز انسانهای شرافتمند و پیشرو می پیچد و آنان را به تفکر و مبارزه با خرافه پرستی، اوهام پراکنی و جهل اندیشی آخرت فروشان و پاسداران حریم جهل و جنایت فرا می خواند.
این ادعا، مانند ژاژخواهی و یاوه گویی ملایانیست که در دوران پر از نکبت و ادبار خمینی جلاد، دست به هر جنایتی زدند و در راه پایمال نمودن حقوق شهروندی انسانهای بیگناه و بی پناه گام بر داشتند، دانشگاهها و محیط های آموزشی را به خون کشیدند، کارگران و زحمتکشان را در محیط کار به گلوله بستند، فتوای تجاوز به دختران و زنان زندانی جامعه ی ما به ویژه دختران باکره را قبل از اعدام صادر نمودند و هم اکنون با وقاحت و رذالتی کم نظیر، دم از برابری حقوق زن و مرد در اسلام و آزادیخواهی و دمکرات بودن اندیشه دگم و واپسگریانه ی اسلام می زنند و تلاش می ورزند تا دو نوع تفکر و اندیشه ی متضاد و آشتی ناپذیر را به نفع بیضه ی اسلام و با هدف حفظ جمهوری جهل و جنایت و چپاول و یغما به آشتی بکشانند و عوامفریبانه

مدعی عدم تضاد مابین اسلام و دمکراسی، اسلام و آزادیخواهی و اسلام و بشردوستی گردند.
این تلاش مذبوحانه ره به جایی نخواهد برد. مگر آنکه مدعیان دفاع از اسلام، به نقد صریح و شجاعانه ی قرآن و احادیث و روایت های بر جای مانده از پیشوایان خود بنشینند و تحولی جدید و امروزی در جزم گرایی و اندیشه های ضد بشری و ارتجاعی اسلام که به مراتب از تفکرات قرون وسطایی عقب مانده تر و ضد انسانی ترند به وجود آورند! آنهم با قبول این واقعیت که دین و مذهب، مسئله خصوصی و شخصی افرادند و حق هیچ نوع مداخله ای در امر سیاست و امور اجتماعی را ندارد! باشد که خلق باورشان کنند و در پس چهره های خندان و ظاهراً مردمی پیشوایان و رهبران جنایت پیشه و فریب کار، به دنبال خنجر کین و نیش های حیوانی و زهرآگین نگردند! والا چطور می توان به این باور و یقین رسید که این جماعت لجام گسیخته و ضد بشری که زن را نه موجودی زنده و دارای حق حیات، بلکه وسیله ای، بله! وسیله ای برای لذت بردن و شهوت رانی می دانند، برای نیمی از جمعیت فعال و سازنده ی جامعه حقوقی برابر یا حق زیستی بشری و انسان گونه قائل باشند؟
« پیامبر اکرم فرمود: به درستی که زن یکی از وسائل لذت و خوشی است؛ پس هر کس زن می گیرد، آن را ضایع نکند!»[1]
این توصیه و توصیه های نظیر آن، به این می مانند که به کودکی خرد سال سفارش کنند تا مواظب توپ فوتبال و دیگر اسباب بازی های خود باشد و به عنوان وسائلی یک بار مصرف با آنان برخورد ننماید!
زنانتان را ضایع نکنید! از آنان مواظبت به عمل آورید! تا موقع مصرف و زمانی که آلت تناسلی تان بلند می شود و در طلب

[1] – مکارم اخلاق. شیخ طبرسی.

جماع با وسیله ای جاندار و با حرارت و آرایش کرده و خوشبو له له می زند، و انتظار جماعی لذت بخش و شوق آفرین را دارید، دقت کنید تا ضرر و زیانی به آنان نرسد! مبادا خدای ناکرده، این وسیله ی لذت و خوشی از دست برود و باعث گردد تا شیطان شما را بفریبد و از راه گمراهتان نماید و به سوی جماع با استر و گاو و شتر یا مرغ و سگ و گربه که در مذمت آنها گفتارهای فراوانی به طبع رسیده است، بکشاند!

« امام صادق فرمود: رسول خدا از مردی سئوال کرد: آیا صبح روزه بودی؟ گفت؛ نه! پرسید: آیا فقیری را اطعام کردی؟ گفت؛ نه! حضرت فرمود: پس بر گرد با همسرت نزدیکی کن که برای او مثل صدقه دادن است.»[1]

جل الخالق! حضرت ختمی مرتبت از وضعیت مزاجی و نیاز روحی و جنسی زنان مدینه نیز با خبر بوده و می دانسته که زن بیچاره نیاز مبرمی به همخوابگی و عمل لذت بخش جماع دارد. به حدی که همخوابی با مردان و در اختیار گذاشتن خود، برایش حکم صدقه دادن و رفع نیاز معنوی را داشته است. بنا بر این به مردی از امت بیدار و همیشه در صحنه اش که روزه نگرفته و صدقه ای پرداخت ننموده، توصیه می کند تا سریع به خانه اش برگردد و به نیاز زنش، یعنی وسیله لذت و خوشی ای که خداوند تبارک در اختیارش گذاشته پاسخ دهد و زمینه ای فراهم آورد تا همسرش بتواند با دادن صدقه ی آلت تناسلی اش راه فلاح و رستگاری بپیماید و قدمی چند به پروردگار خود نزدیک شود!

به فرض که همه ی ادعاها و گفتارهای پوچ و مهمل این جماعت، در مورد زنان واقعیت داشته باشد! یعنی گناه همه ی کارهای شیطانی و اهرمنی به گردن زنان باشد و همخوابگی و جماع دادن، ریشه در نیاز مبرم موجوداتی داشته باشد که صرفاً

[1] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

برای لذت و جماع دادن به مردان آفریده شده اند و با ارائه ی سکس صدقه ی آلت تناسلی خود را می دهند! دختر بچه گان ۹ ساله و کوچکتر چطور؟ آنان چه مرض و غرضی دارند که چون قربانیان نحیف گرفتار چنگال بیرحم اهریمنان خونخوار و حیوان صفت می گردند؟

آیا آنان نیز به دلیل میل شدید به امیال جنسی و فرمان بردن از رحم خود به جای عقل، با همه خردی و کم سن و سالی، خود را گرفتار چنگال بیرحم شهوت پرستان دیو سیرت می نمایند و در برابر امیال حیوانی درندگانی دهشت انگیز و هراس انگیزتر از گرگ و کفتار تسلیم می شوند؟

مگر غیر از این است که این جماعت مفتخواره و شهوت ران، از دختر بچه ی ۹ ساله نیز در نمی گذرند و بمجرد اینکه فرصتی بدست می آورند، این موجودات نحیف و معصوم را چون عروسکی سخنگو از زمین برداشته و بر آلت تناسلی بلند شده شان می نشانند و از وجودش لذت می برند و با دیدن اشک های روانش که از اسارت در چنگال هیولایی بی شاخ و دم بر گونه اش جاریست، به سرخوشی و شادمانی حیوانی دست می یابند؟

« امام باقر فرمود: جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آن که ۹ سال او تمام شود. پس اگر این عمل صورت گیرد و به آن زن عیبی رسد، مرد ضامن است.»[1]

بی سبب نیست که حضرتش را باقرالعلوم (شکافنده ی علوم) نام نهاده اند! از دیدگاه و منظر حضرت، همخوابگی و جماع با دختران زیر ۹ سال از آن روی کراهت دارد که ممکن است، پارگی و خونریزی بدهند و هزینه ای به گردن مصرف کننده ی مسلمان و بهره گیرنده از این وسیله خوشی و لذت بیندازد! و الا

---

[2] ــ طب الائمه. ابن بسام نیسابورین، باب های حجامت جماع.

نابالغ بودن، خرد سال بودن و هزاران مانع شرعی، عرفی و اخلاقی دیگر، باعث نمی شود تا کودکان خرد سال مورد بهره برداری و سئواستفاده ی جنسی حیوانات مازوخیست و مالیخولیایی مسلمان قرار نگیرند! به دیگر سخن، اگر فرد مسلمانی با مهارت و به استادی هر چه تمامتر دختر بچه ی چند روزه و یا یک ماهه ای را نیز مورد بهره برداری و سئواستفاده ی جنسی و شهوانی قرار دهد و از نظر جسمی، عیبی متوجه ی او نگرداند، هیچگونه مانع و کراهتی ندارد!

گیریم که اتفاقی بیفتد و کودک خردسال بر اثر تجاوز و خونریزی فراوان جان بدهد! از آنجا که در قوانین و احکام اسلامی، زن نصف مرد به حساب می آید. به اندازه ی نصف مرد ارث می برد. شهادت دو زن برابر شهادت یک مرد است. دیه (خون بهای) وی نیز نصف دیه یک مرد محاسبه می شود. بنا بر این جنایتکار و آدمکشی که مرتکب چنین جنایت هولناکی شده، به راحتی می تواند گریبان خود را از چنگ قاضی شرع، قوانین و احکام اسلامی و حتی خشم پروردگار عالم برهاند! کافیست که نصف دیه را که معمولا با قیمت شتر محاسبه می شود بپردازد! از سوی دیگر، به عقیده زن ستیزان و کوتوله های دگم و واپسگرای مسلمان، بویژه رهبران و پیشوایان دینی، زن موجودی ناقص العقل، همدست شیطان، نابخرد، غیرقابل اعتماد است و در هیچ زمینه نباید او را مورد اعتماد و امین دانست. بویژه در زمینه اسرار و راز نگهداری که رازت را بر سر کوچه و بازار جار بزنی، بهتر است تا با زن جماعت در میان بگذاری!

اما همخوابی و انجام عمل جماع با همین موجود سراپا عیب و خطا، ثواب های عدیده و بی مانندی به دنبال دارد. از جمله همسان جهاد در راه خدا و منزه کننده ی مرد از همه گناهان او

در طول زندگانیست! مزایای همخوابگی و جماع با زنان به حدیست که حجت الاسلامی چون معادیخواه، پشت پا به نام و ننگ می زند و در اوایل انقلاب اسلامی، حرمسرایی به راه می اندازد و بر آن می شود تا به ثواب چند فقره حج اکبر و جهاد در راه خدا و شمشیر زدن به خاطر اسلام عزیز دست یابد. یا سرداری به نام زارعی که عمری را در خدمت به اسلام و امام زمان سپری نموده و درجه ی سرداری خود را از دستان مبارک رهبر انقلاب و امید مسلمانان جهان دریافت نموده و به مقام سرداری سپاه اسلام و لشکر امام زمان مفتخر گردیده، شش نفر زن را به خلوت خود می کشاند و ضمن لذت بردن و خوشی کردن در محیطی رؤیایی و اجرای سکس دسته جمعی، آنان را وامیدارد تا برای خشنودی و رضایت خالق هستی، با بدن های لخت و سینه و کپل های برهنه به نماز جماعت بایستند و به انجام بزرگترین و معتبرترین فریضه ی دینی که پایه و ستون دین مبین اسلام است بپردازند!

کسی چه می داند؟ شاید همانطور که فرشتگان حرم سّر عفاف ملکوت از عمل جماع مردان لذت می برند و زنانی را که مایه نشاط و سرور مردان خود نمی شوند لعن و نفرین می کنند، پروردگار عالم نیز از مشاهده ی بدن های لخت و عریان زنانی که ضمن اجرای سکس دسته جمعی در برابرش به نیایش ایستاده و به درگاهش استغاثه می نمایند لذت ببرد و عشق و حال بکند! مگر حضرت مردان را بر اساس الگو و مدل خود نیافریده است؟

« زنی خدمت حضرت رسول اکرم آمد و شکایت کرد که شوهرم به نزدیک من نمی آید. حضرت فرمود: خود را خوشبو کن تا نزدیک تو بیاید. زن گفت؛ هیچ بوی خوشی را نگذاشتم، مگر آن که خود را به آن خوشبو کردم. اما باز هم از من دوری می

کند. حضرت فرمود: اگر می دانست در آمدن به نزد تو چه ثواب هایی دارد، از تو دوری نمی کرد. ثوابش همانند آن است که شمشیر کشیده و در راه خدا جهاد کند. پس چون با تو مجامعت کند، گناهان از او می ریزد، چنان که برگ از درخت می ریزد. و چون غسل کند از گناهان خارج می شود.»[1]

موجودی که همخوابی با وی و لذت بردن از آلت تناسلی اش، این همه مزایا دارد و راه بهشت را هموار و دروازه هایش را بر روی مؤمنان می گشاید، چطور می تواند همدست شیطان، ناقص العقل و دروازه بان جهنم باشد؟ و چرا می بایست مورد تحقیر، سرزنش و بد رفتاری موجوداتی عقب مانده و زن ستیز قرار گیرد؟ همین اندازه که یکبار همخوابگی با وی و کام دل گرفتن از او ثواب و مزایای اخروی دارد، باید باعث گردد تا از سوی مبلغین و مروجین دین حنیف، به عنوان تاج سر آفرینش برگزیده و به جهانیان معرفی گردد!

بر اساس احادیث و روایت های علمای سبک مغز و متحجر شیعه، امام موسی کاظم، مدت زمان زیادی از عمر خود را در زندان هارون الرشید خلیفه عباسی سپری کرد. هارون برای از پای در آوردن امام و شکنجه ی وی، دستور داده بود تا در مواقعی که حضرت به نماز ایستاده و با خدای خود راز و نیاز می کرد، دختران زیبا روی، با بدنی هایی پاک و برهنه و خوشبو، با رفتار و کردارهایی تحریک کننده، وسوسه گر و شهوت برانگیز وارد سلولش شوند و جلوی چشمانش رژه روند! زهد و تقوی بیش از حد حضرت باعث می شد تا نقشه ی شیطانی هارون با شکست مواجه گردد و حضرت سربلند از آزمایش های الهی بیرون آیند!

---

[1] – حلیته المتقین. ملا محمد باقر مجلسی.

« امام موسی کاظم فرمود: مردی خدمت امام باقر آمد، حضرت از او پرسید: آیا همسر گرفته ای؟ گفت نه! امام فرمود: دوست ندارم که تمامی دنیا از من باشد ولی یک شب بی زن بخوابم. بعد فرمود دو رکعت نماز شخص همسر دار، بهتر است از نماز فرد مجردی که شب ها به نماز می ایستد و روزها روزه می گیرد.»[1]

چرا؟ مگر ممکن است که همخوابی و جماع با هم دست شیطان و کسی که از دروازه های جهنم نگهبانی و پاسداری می کند و در صد زیادی از ساکنان جهنم فریب خوردگان او هستند، چنین مزایایی در بر داشته باشد؟ اگر چنین است، همخوابی و همگامی با خود شیطان چه امتیازهایی دارد؟ با این قیاس و میزانی که حضرات بر گزیده اند، بی گمان سروری کائنات و فرمانروایی کهکشان ها را در پی خواهد داشت!

امام هشتم شیعیان، یعنی امام رضا که مقبره اش در شهر مشهد زیارتگاه امت اسلامی و دوستداران اهل بیت نبوت است، در این رابطه دیدی عالمانه و حکیمانه دارد. بدین معنی که ضمن بررسی مسئله ی جماع و همخوابی با زنان از نظر پزشکی، توصیه هایی نیز در باره ی آماده سازی و اعمال قبل از دخول دارند!

« در اول شب چه زمستان و چه تابستان با زنان نزدیکی مکن؛ زیرا در اول شب معده و عروق پر است و در این حالت مجامعت ناپسند است. جماع با شکم پر در اول شب باعث بیماری های قولنج، فالج، لقوه، نقرس، سنگ کلیه، تقطیر بول، باد فتق، ضعف چشم و کم سویی آن می شود. پس هنگامی که اراده این کار را داشتی، بهتر است آخر شب را بدان اختصاص دهی. این وقت برای بدن صلاحیتش بیشتر است

[1] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

و در تولید نسل بیشتر مایه امیدواری است و عقل مولود یعنی فرزندی که خداوند بخواهد بدهد را تیزتر می گرداند. به کار جماع مپرداز مگر این که قبلا با بازی و شوخی و فشردن پستان ها، زن را آماده کنی. این کارها موجب می شود که خواهش غریزی زن تحریک شود، ماء النسل او از قسمت های مختلف بدنش جمع آوری گردد، آثار غلبه شهوت در صورتش پدید آید و همان را که تو از او می خواهی او نیز از تو می طلبد. با زنان جماع مکن، مگر آن که پاک باشی. چون از کار فارغ شدی، فوری بر پا مایست و منشین. بلکه قدری به سمت راست بخواب یا تکیه کن. آن گاه برای دفع بول از جای برخیز. این کار به اذن خدای متعال، تو را از سنگ مثانه تأمین خواهد داد. پس از خاتمه این کارها غسل کن و همان ساعت قدری مومیا با شراب عسل یا کف گرفته بنوش، که این کار کسری تو را از ناحیه جماع جبران خواهد کرد. باید دانست که آمیزش با زنان از نظر وقت، هنگامی که ماه در برج حمل و دلو است، نیکوست و از آن بهتر وقتی است که ماه در برج ثور باشد. زیرا ثور شرف ماه است.»[1]

با این اوصاف، باید آن هندوانی که آلت تناسلی زنان را به عنوان سرچشمه ی حیات و زایش نیایش می کنند، آن را به شکل گلهای زیبای نیلوفر پیرایش و آرایش می نمایند و به خاطرش معابد عظیم بر پای می دارند ستود و به آنان به دیده احترام نگریست!

لازم است نام آن معمار هنرمندی که برای اولین بار درب ورودی کلیساها را به شکل آلت تناسلی زن معماری نمود و آنرا از طریق دلانی تنگ و باریک به شبستان (رحم) متصل نمود و عکس مریم را بزرگتر و با شکوه تر از تصویر مسیح در آن

---

[1] ـ طب الرضا. معروف به رساله الذهبیه که در جلد ۶۲ بحار الانوار نوشته ی ملا محمد باقر مجلسی آمده است.

و در میدان دید وارد شوندگان قرار داد، در همه ی سرودهای مذهبی تکرار و باز تکرار نمود!
می بایست اولین معمار اسلامی را که با الگو برداری از معماری کلیسای مسیحی، درب و محراب مساجد اسلامی را شبیه به آلت تناسلی زن طرح ریزی نمود و مسلمانان زن ستیز جهان را به رکوع و سجود در مقابل آلت تناسلی این موجود که با بغض و کینه ای حیوانی مورد تهاجم و تحقیر و تبعیض همه جانبه قرار گرفته، بلند آوازه و جاودان نمود!
در عوض واجب است به ریش این موجودات حقیر و عقده ای که بدون توجه به همه ی اتهام ها و توهین های تحقیر آمیزشان نسبت به زنان، تا پای همخوابگی و شهوت به میان می آید، در برابر آلت تناسلی زن زانو زده، زبانشان کوتاه و بی شرمانه برای عمل جماع، آنهم با موجودی با آن مشخصات و هزاران عیب و بار گناهی که خود برایش تراشیده اند، محاسن و مزایای پزشکی و روانشناسی طرح می کنند، خندید! آن هم خندیدنی که جهانیان را با خبر و نقاب نیرنگ و ریا از چهره های کریه اینان بردارد!
پیامبر اسلام، دختر خود فاطمه را به عقد و نکاح پسر عمو و سپه سالار خود علی ابن ابیطالب در آورد. تا زمانی که فاطمه در قید حیات بود، علی زن دیگری را به عقد خود در نیاورد و با کسی همبستر نشد. پس از مرگ فاطمه بود که علی به فکر اندوختن ثواب بیشتر و لذت بردن از زنان متعدد افتاد. توصیه های محمد به علی در باب ازدواج، از چند جانب حائز اهمیت و قابل خواندن است. مهمترین بخش ها، اعمال و رفتاری است که محمد، پسر عمو و داماد خود را از انجام آنها نهی می کند و بر حذر می دارد! آن هم به این دلیل ساده که چون ملایان و رهبران و سردمداران جمهوری اسلامی ایران، خود را فرزندان علی

ابن ابیطالب و باز مانده ی ایشان می دانند، با مروری بر کارنامه ننگین و جنایکارانه شان، می توان دریافت که آنان حاصل و نتیجه ی جماع کردن هائی هستند که حضرت بر خلاف توصیه های پیامبر بدان ها مبادرت ورزیده و فرزندانی چنین به ثمر رسانده است! زیرا این تبهکاران و جانیان تاریخ بشریت، علاوه بر دارا بودن رذائل و خبائث بر شمرده شده، نسبت به زنان جامعه ی ما، از چنان کینه ی حیوانی و دد منشانه ای برخوردارند که قوانین و احکام زن ستیزانه ی شدید و توان فرسا را از سایر ادیان و مکاتب نیز به عاریت گرفته و علیه آنان بکار می برند! قوانینی چون سنگسار و تجاوز به دختران باکره قبل از مراسم اعدام از آن جمله اند!

« رسول خدا به علی فرمود: چون عروس به خانه تو در آید، کفش های او را در آور و پاهایش را بشوی و جلوی در خانه ات را آب بپاش. با این عمل خداوند هفتاد هزار نوع فقر را از خانه ات براند و به جایش هفتاد هزار گونه غنا و برکت فرستد و هفتاد رحمت بر سر عروست نازل سازد تا برکتش هر گوشه خانه ات را بگیرد و عروس را تا در آن خانه است از جنون و جذام و برص نگاه دارد. همچنین عروس را در هفته اول از مصرف لبنیات و سرکه و گشنیز و سیب ترش منع کن!

علی عرضه داشت چرا از این چهار چیز او را جلوگیری کنم؟

پیامبر فرمود: زیرا رحم به این چهار چیز نازا می شود و حصیر خانه بهتر از زن نازا می باشد.

علی پرسید: سرکه چه عیب دارد؟

حضرت فرمود: چون اگر پس از خوردن سرکه حیض ببیند، هیچ وقت به طور کامل پاک نمی شود. اما گشنیز، حیض را بر می انگیزد و زایمان را مشکل می سازد و سیب ترش حیض را قطع کرده و بیماری پدید می آورد.

سپس پیامبر در ادامه فرمود: یا علی! در اول و وسط و آخر هر ماه آمیزش مکن؛ که جنون و جذام و نقصان به زن و فرزند روی آورد.
یا علی! هنگام بعد از ظهر آمیزش مکن که اگر فرزندی به دنیا آید، احوال دوبین خواهد شد. از این روی، در چشم او پیچ و تابی ایجاد می شود و شیطان نیز از فرد دوبین خشنود می گردد.
یا علی! به هنگام آمیزش سخن مگوی، که اگر فرزندی در آن حال متولد شود، از لال شدن ایمن نباشد. همچنین نباید کسی در عورت همسر بنگرد که نگاه به عورت او، موجب نابینایی کوری فرزند می شود.
یا علی! با همسر خود با یاد و میل زنان دیگر جماع مکن. که می ترسم اگر فرزندی پا بگیرد، دیوانه و ابنه ای و در صفت زنان باشد.
یا علی! کسی که جُنُب است یا همسرش در بستر می باشد، قرآن نخواند، که می ترسم آتش فرود آید و هر دو را بسوزاند.
یا علی! نزدیکی مکن مگر آن که تو و همسرت هر یک دستمال و پارچه ای جداگانه داشته باشید و با یک چیز خود را پاک نکنید که شهوت بر شهوت ننشیند و بین شما عداوت انگیزد و کارتان به طلاق انجامد.
یا علی! ایستاده جماع مکن که این کار الاغ است. و اگر فرزندی در این حال بوجود آید، در بستر بول نماید و چون الاغ همه جا بول کند.
یا علی! زیر درخت میوه دار نزدیکی مکن که اگر فرزندی حاصل شود، جلاد یا آدمکش و یا کاهن شود.

یا علی! در برابر خورشید و آفتاب نزدیکی مکن. مگر آن که خود را از نور با پرده ای بپوشانید. در غیر این صورت اگر فرزندی به دنیا آید، همواره در فقر و نکبت به سر برد.
یا علی! بر پشت بام جماع مکن که حاصل آن، فرزندی منافق و ریاکار و بدعت گذار باشد.
یا علی! بین اذان و اقامه جماع مکن که در این صورت اگر فرزندی پدید آید به خونریزی حریص باشد.
یا علی! با زن حامله ات جز با وضو نزدیکی مکن که اگر فرزندی پدید آید، کور دل و بخیل گردد.
یا علی! شبی که عزم مسافرت داری، جماع مکن که اگر فرزندی به دنیا آید، مالش را به ناحق مصرف کند؛ زیرا تبذیر کنندگان برادر شیطانند. در طریق سفر تا سه شبانه روز از آغاز سفر نزدیکی مکن که اگر فرزندی متولد شود، معین و یاور ستمکاران گردد.
یا علی! شب های دوشنبه آمیزش کن که اگر فرزندی حاصل شود، حافظ قرآن گردد و به قسمت خدا خشنود باشد.
یا علی! اگر شب های سه شنبه جماع کنی و فرزندی آید، شهادت روزی او گردد پس از آن که به یگانگی خدا و نبوت من شهادت دهد، و خداوند با مشرکان عذابش نکند و دهانش خوشبو باشد. این فرزند رحم دل و دست و دل باز است و زبانش از دروغ و بهتان پاک خواهد بود.
یا علی! اگر شب پنج شنبه آمیزش کنی و فرزندی به وجود آید، یا حاکم و یا عالم گردد. اگر روز پنج شنبه به هنگام رفتن خورشید از وسط آسمان نزدیکی کنی و فرزندی پا بگیرد، شیطان به او نزدیک نگردد و پر فهم باشد و خداوند سلامت دین و دنیا را روزی اش سازد.

یا علی! اگر شب جمعه جماع کنی و در اثر آن فرزندی پدید آید، سخنگو و حرف زن باشد و اگر روز جمعه پس از عصر نزدیکی کنی، دانشمند و معروف و مشهور گردد. ان شاء الله تعالی.
یا علی! در ساعت اول شب جماع مکن که ایمن نیستی فرزندت ساحر شود و دنیا را بر آخرت بر گزیند.
یا علی! وصیت مرا حفظ کن، چنان که من از برادرم جبرئیل حفظ کردم.»[1]

با توجه به آن چه از نظرتان گذشت، مسلمانان به طور اعم و شیعیان که اکثریت جمعیت ایران را تشکیل می دهند و به مدت سی سال، سرکوب، شکنجه، خفقان، زندان، اعدام، و با وجود درآمد سرسام آور نفت در سالهای اخیر و وضعیت این ماده در بازار جهانی و بین المللی، گرانی و فقر و فلاکتی که زیر لوای اسلام انقلابی، عدل علی و نظارت بدون قید و شرط امام زمان را تجربه می کنند، به طور اخص باید به دو نکته ی اساسی و قابل تعمق توجه کنند!

۱ - دولت مردان سفاک و تبهکار و غارتگر جمهوری اسلامی، که طی سی ساله ی زمامداری ننگین و خونین شان کشتار سبعانه ی تمام دوران حکومت، قتل عام زندانیان سیاسی سال ۱۳۶۷، قتل های زنجیره ای، وقایع خونین و سرکوبگرانه ی دانشگاهها، به بند کشیدن هزاران نویسنده، روزنامه نگار و کارگران حق طلب، اذیت و آزار زنان و جوانان را در پرونده ی سیاه خود دارند، چنانچه ادعای وابستگی های نسبی شان به خاندان نبوت و علی ابن ابیطالب مورد پذیرش و قبول عامه مردم واقع شده باشد، باید نتیجه ی عدم توجه علی به وصیت پیامبر و جماع وی بر پشت بام و زیر درخت میوه دار، بین اذان

---

[1] ـ مکارم اخلاق. شیخ طبرسی

و اقامه، بدون وضو و دو روز مانده به آخر ماه بوده و باشند!زیرا درست از هم خصیصه ها و معایب ضد بشری و دیو سیرتانه ای برخوردارند که پیامبر بر شمرده و به داماد و پسر عمش گوشزد نموده است.

۲ - باید بپذیرند که خود، از سنت پیامبر خود به دور افتاده و به دروغ خود را پیرو و در شمار امت وی به حساب می آورند. آنهم به این دلیل ساده و روشن، که بجای حرمت و عزت و احترام به زنی که می بایست با این سفارش ها و روش پسندیده ی آن زمان، یعنی محیط عربستان و دوران اعذاب جاهلیت به خانه شان وارد گردد، به دنباله روی از سردمداران جمهوری جهل و جنایت و کوتوله های ناقص الخلقه ای که سراپای وجودشان را عقده های حقارت و دشمنی و ضدیت با نوع بشر، بویژه زنان فراگرفته است، نسبت به زنان خود و جامعه ستم روا نمی داشتند و بدنباله روی از مشتی رجاله ی زنباره که ریاکارانه و مزورانه بر مسند خلافت نشسته و دم از عدالت اسلامی می زنند ادامه نمی دادند. بلکه دوش به دوش مردم ستم کشیده، زنان عاری از حقوق انسانی، کارگران به گلوله بسته شده، دانشجویان و اساتید دانشگاهی سرکوب شده و ...و صدای اعتراض شان را علیه این همه بیداد که با نام آنان و زیر لوای آیین و کیششان روا می دارند بلند می نمودند.

برای یک انسان شرافتمند و متمدن، و موجودی که انسانی می اندیشد و با هرگونه تبعیض، استثمار، استعمار، استبداد و سایر پدیده های ضد انسانی و زن ستیزان سر سازش و سازگاری نداشته و در راه خشکاندن ریشه های ستم گام بر می دارد، وجود زن و همسر، به عنوان شریک زندگی، یار و غمخوار، همگام و همراه، می بایست در همه ی مراحل زندگی خوشآیند و لذت بخش باشد و این همسنگر فداکار، در تمامی دقایق عمر

مورد احترام و عزت قرار گیرد و از حق و حقوقی برابر با شوهر خود و سایر مردان برخوردار گردد! زیرا آزادی، آزادگی و دمکراسی معنی م مفهومی ندارد، هر گاه که نیمی از جمعیت فعال و سازنده ی جامعه با تبعیض و بی حقوقی کامل روبرو و عذابی دائمی به سر ببرند!
احترام، آزادی و برابری حقوق زنان می بایست در جامعه تثبیت و تضمین گردد و از طرف همه ی آحاد ملت به مرحله ی اجرا گذاشته شود. نه در موقع همخوابگی و زمانی که لخت و عریان در آغوش مرد خوابیده و لبها و سینه ها و کمر باریک و کپل پهن و آلت تناسلی اش را در طبق اخلاص گذاشته و به مرد اجازه می دهد تا با آنان سرگرم شود و لذت ببرد! زیرا در آن حالت، مرد با همه خصوصیات و خصلت های زن ستیزانه اش تسلیم و مطیع شهوت است و همانطور که در صورت لزوم دست به دامان سگ و گربه و شتر می شود و نازشان را می کشد تا به خواسته ی غریزی و حیوانی او تن در دهند، در مقابل زن نیز کوتاه می آید و به موجودی ساکت و آرام و سر به راه مبدل می گردد! بوسه های شهوت آلوده ی وی بر سر و سینه و پستان ها و حتی آلت تناسلی زن، نه از روی عشق و صفا و محبت بلکه با هدف لذت بیشتر بردن و ارضاء امیال جنسی خویش است! بنا بر این بعید به نظر نمی رسد که در موقع جماع با شتر و گاو و خر نیز دست به چنین اعمال جنون میزی بزند و از لب های آن حیوانات نیز بوسه ای بگیرد.
اگر موجودی به نام زن، باعث می شود تا ملائکه ی آسمان به تماشای بدن عریانش بایستند! پستانهای زیبا و خوش تراشش را با سر انگشت به همدیگر نشان دهند! از سکس و همخوابگیش با مرد لذت ببرند و با شنیدن صدای نفس نفس زدنهای شور انگیزش در موقع جماع و شور و حالی که بر پا می کند، حالی

به حالی شوند، چرا و به جهت می بایست همدست شیطان باشد؟ او که با زیبایی، دلربایی، سخنان وسوسه انگیز و نشان دادن گوشه ی چشم و ابرو قادر است مردان عالم، حتی پیامبران، امامان، زاهدان و عارفان سپید موی و ریش به زانو رسیده را از راه به در و افسار به گردن تسلیم شیطان و آتش جهنم نماید، به چه دلیل ناقص العقل است؟ این موجود که در همخوابگی و هم آغوشی اش هزاران مزیّت و نوشداروی کم نظیر نهفته است، چرا و به چه دلیل می بایست مورد بی مهری و خشم و کینه ی زن ستیزان کور دل قرار گیرد و از حقوق اولیه انسانی محروم و بی بهره شود؟

« امام صادق فرمود: چیزی نیست که ملائکه را حاضر کند، مگر آن که مرد با حرص و ولع با همسر خویش بازی و خوش طبعی نماید. یعنی در این وقت است که ملائکه حضور پیدا می کنند.»[1]

چه با شکوه و با عظمت است این لحظه. و چه اغوا کننده است برای مرد مسلمانی که برای دست یابی به یکی از آن ملائکه و حوران بهشتی دست به هر کاری می زند و تن به هر خفت و خواری ممکنه ای می دهد. چه بزرگ و پر عظمت است آن دم. یعنی زمانی که وی در گوشه آلونک نکبت بار و چپر نیمه ویرانه اش، از همخوابی با همسرش لذت می برد و در همان حال ملائکه ی آسمان به صف ایستاده اند و هنر نمایی او را می ستایند و بر قدرت و توانائیش آفرین می گویند! چه بسا که تعدادی از آن میان، آلت تناسلی بلند شده و شق و رق اش را با ایماء و اشاره به همدیگر نشان بدهند و وی را برای دوران آخرت و سکونت ظفرنمونش در بهشت برین کاندید نمایند!

---

[1] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

از طرف پیشوایان دین و اولیای مذهب، توصیه ها و سفارش های فراوانی به عمل می آید تا عمل جماع و همخوابی با زنان، شتابزده و بدون مقدمه چینی صورت نپذیرد. مرد مسلمان موظف است، همه قواعد بازی و اصول بهره برداری از سکس و لذت بردن کافی از عمل جماع را رعایت نماید. شمار این نوع سفارش ها و تاکیدها به حدیست که انسان با خواندن و مطالعه ی آنها نه تنها به عظمت، بزرگی و دانایی اولیای مذهب و آگاهی و محیط بودنشان بر نیازهای جنسی جامعه و امت مسلمان پی می برد، بلکه در می یابد که آلت تناسلی مرد و زن و اندیشیدن به زیر شکم، البته پس از شکم، از چه اعتبار و جایگاه ویژه و مقدسی برخوردار است! جایگاهی که همه ی عبادت ها و خدمتگزاری های بشری و انسانی را تحت شعاع خود قرار داده و باعث گردیده تا رهبران و پیشوایان دینی کمتر به مسائل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی، آبادانی، فقر زدایی، اعتیاد، فحشاء، اختلاس، ارتشاء، مبارزه با خرافه پرستی و ...و پرداخته بپردازند!

« امیر المؤمنین می فرماید: چون یکی از شما خواست با همسر خویش آمیزش کند، از شتاب کردن در این کار پرهیز نماید که زنان نیز نیازهایی دارند.»[۱]

منظور از عدم شتاب، بوس و کنار، بازی با پستانها و ناز و نوازش فرج یعنی آلت تناسلی زن پیش از یورش و آغاز جهاد و شمشیر زدن در راه خدا، یعنی عمل دخول است! چون به گفته ی امیر مومنان، زنان نیز نیازهایی دارند! و با اعمال و رفتارهای قبل از دخول، می بایست آماده شان کرد و میزان آدرنالین خونشان را به اندازه ی کافی بالا برد تا حال بیشتری بدهند و به همراه مرد، تا اوج آسمان ها به پرواز در آیند! باشد که ملائکه

[۱] – خصال صدوق. شیخ صدوق (ابن بابویه)

آسمان فشار کمتری به چشمان نازنین شان بیاورند و دیدگان شهلایشان به کم سویی و خستگی مفرط دچار نگردد!

« روایت شده است که پیامبر اکرم با همسران خود در وقت جماع بازی می کرد و آنان را می بوسید.

در سنن ابو داود روایت شده است که رسول الله عایشه را می بوسید و زبانش را هم می مکید.

جابر بن عبدالله هم نقل کرده است که رسول الله نزدیکی کردن قبل از بازی کردن با زن را نهی فرمود.»[1]

پیامبر اسلام، به امت اسلامی توصیه می کند تا از همخوابگی و جماع به روش پرندگان که ثانیه ای بیشتر طول نمی کشد، بپرهیزند و بگفته ی خودش، زن یعنی وسیله ی خوشی و لذت را ضایع نکنند!

« رسول اکرم فرمود: چون کسی می خواهد با زن خود جماع کند، به روش پرندگان و مرغان به نزد او نرود؛ بلکه در ابتدا با او بازی با سینه ها و لب ها و خوش طبعی کند، سپس جماع نماید.»[2]

دستورالعمل های صادره در باره ی بازی کردن و بوسیدن زن، بازی و مالش سینه و پستانها، ماساژ ناف به پائین، تحریک و بازی با آلت تناسلی زن و غیره، هر یک دارای محاسن و خصوصیت هایی ویژه ای هستند که به مرور زمان و با کمک مروجین دینی و مذهبی که هر یک به نوعی خود را مدیون پیامبر و ائمه می دانند و در قبال مسلمانان جوان و تازه به دوران رسیده احساس مسئولیت می نمایند، رنگ و بوی طبی گرفته و از آنجا که حضرات در طول تاریخ شهامت رویارویی و مقابله با حقیقت و بیان واقعیت را نداشته و ندارند، در پوشش

---

[2] – طب النبی. ابن قیم جوزیه. فصل نکاح.

[1] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

و رنگ و لعاب پزشکی و درمانگر مطرح گردیده اند! بطوریکه مرد مسلمان در هر بار نزدیکی و عمل جماع، چندین و چند بیماری زن را معالجه یا از بروز آنها جلوگیری به عمل می آورد. آنهم در ازاء لذت و خوشی ای کوتاه و خواباندن آلت بلند شده اش که می تواند با شّر آفرینی های خود ارکان حکومت اسلامی و پایه های کیش و آئین جهان شمول را به لرزه در آورده و به مخاطره بیندازد!

برای مثال:

۱ – بوسیدن لب ها سبب می گردد تا بوی بد دهان زن و مرد زایل گردد و چین و چروک صورت از بین برود. بوسیدن و جویدن (چرا جویدن؟) زیر گلو با لب ها- نه با دندان – برای غده ی تیروئید مفید است و از بیماری گواتر جلوگیری می کند. این عمل باید به مدت هفت تا ده دقیقه ادامه یابد.

۲ – بازی کردن با سینه زن، ماساژ پستانها با دست و لبها، به مدت ده تا پانزده دقیقه، سبب می گردد تا منی زن زودتر خارج گردد و زن حامله شود. همچنین سبب می شود که درد ناحیه شانه ها، زیر گلو، شکم، پهلوها، ضعف، ورم و نفخ معده بهبود یابد و از بیماری تیروئید جلوگیری نماید.

۳ – چنانچه از ناحیه ی ناف تا فرج یا آلت تناسلی زن به آرامی و به مدت ده دقیقه ماساژ داده شود، باعث می گردد تا رحم تحریک شود و درد رحم و دل پیچه ی زن، زودتر التیام یابد. علاوه بر آن، چنانچه زن دارای کیست باشد، بهبودی حاصل می شود و برای زنانی که بچه سقط می کنند، نافع است و از سقط شدن بچه جلوگیری به عمل می آورد. و اگر زنی عقیم و نازا باشد، ماساژ ناف تا آلت تناسلی و تحریک این ناحیه قبل از عمل دخول سبب زایش و باروری می شود.

۴ – اما تحریک و ماساژ دروازه ی بهشت و چشمه ی حیات بخشی که در میان انبوهی از گلها و ریاحین خوشبو و پا کوتاه قرار گرفته، یعنی آلت تناسلی زن و تحریک چوچوله که چون یاقوتی لزج و لغزنده و جاندار در میان آن قرار دارد، سر درد، بیماری های اعصاب و ناراحتی های حیض و دوران قاعدگی یا پریود را درمان می کند و برای عرق و بوی بد بدن زن مفید و نافع است. همچنین برای حرارت و تب، رطوبت و خلط گلو و بلغم عفونت درمانگر است.

۵ – در مرحله ی آخر و فتح الفتوح، یعنی زمانی که صدای نفس ها در فضای اتاق پیچیده و زن و مرد چون دو شاخه ی نیلوفر در هم پیچیده و کاملا آماده و پذیرای عمل جنسی و دخول هستند، خستگی بدن زن و عقده های روحی و روانی او از بین می روند. بویژه زمانی که آلت تناسلی وی به مدت ده دقیقه با سرانگشتان گرم و نوازشگر مرد، تحریک و ماساژ داده شده باشد. در چنین حالتی، حتی درد کشاله ی ران ها و کلیه ی زن که سرما خورده و عفونت کرده است، از بین خواهد رفت و التیام خواهد یافت و برای سستی کمر زن نافع است. برای به دست آمدن نتیجه ی مؤثرتر و مطلوب تر، بهتر است عمل دخول و خروج حدوداً به مدت سی تا چهل دقیقه طول بکشد.

علاوه بر آن، در مرحله ی حساس و لذت بخش جماع، همه قواعد و قوانین سخت و دست و پاگیر اسلامی، اثر بخشی خود را از دست می دهند و به احکام و فرامینی ناکار آمد و بی اثر مبدل می گردند! در این مرحله، زن و مرد، می توانند لخت وعور و بدون روانداز و زیر انداز در هم بپیچند و ابدأ به شیطان و بچه ی شیطان و همسایه ی حیز نیندیشند! مرد می تواند و اجازه دارد تا آلت تناسلی زن را ببوسد! و از آنجا که امام شرم نموده اند یا در روی پرسش کننده صبور و حلیم مانده اند،

حتی اجازه دارد، با نوک زبان اطراف و درون مهبل را لیس بزند و چوچوله را که چون قلبی تپنده در میانه ی آن سر چشمه ی زایش و حیات غنوده است نوازش دهد! مرد اجازه دارد، زن را کاملا لخت عریان و بدون مانع و رادعی به تماشا بایستد یا بنشیند و بزرگترین لذت های دنیا را ببرد! او مختار اسست تا با نوک انگشت خود با فرج زن بازی و آنرا برای مراحل بعدی تحریک نماید. مرد اجازه دارد تا در میانه آب چشمه، رودخانه، دریا و حمام با همسر خود جماع نماید و لذت ببرد! ولی زن، از آنجا که تسلیم اراده ی مرد و تکیه گاه خود بوده و هست، مجبور به تن دادن و پذیرفتن همه ی این اعمال است!

چنین به نظر می رسد که گویا زن، از انجام همه ی این اعمال و رفتارها رویگردان و فراریست و این تنها حق مرد است که با تکیه بر حق سرپرستی و برتری خود این لذت ها را ببرد!

« از امام کاظم سئوال شد؛ اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود، چگونه است؟ امام فرمود باکی نیست. سئوال شد اگر کسی فرج زن را ببوسد چطور است؟ فرمود اشکال ندارد.

از امام صادق سئوال شد؛ اگر کسی زن خود را عریان کند و به او نظر نماید چگونه است؟ حضرت فرمود مگر لذتی از این بیشتر می باشد و اگر کسی با انگشت خود نیز با فرج زن بازی کند، اشکال ندارد. اما به غیر از اجزای بدن خود، چیز دیگری در آن محل وارد نکند.

همچنین سئوال شد؛ می تواند مرد در میان آب، جماع کند؟ فرمود باکی نیست. پرسیدند، آیا جماع در حمام جایز است؟ فرمود اشکال ندارد.»[1]

[1] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

در هر جا و مکانی می توان جماع کرد. حتی نشسته و سوار بر جهاز شتر! محدودیت مکانی وجود ندارد! اگر به مکان هایی چون مسجد و کعبه و دیر اشاره نشده، دلیل بر حرمت بیش از حد این محل ها و ممنوعیت عمل جماع در آن ها نیست! به دلیل ساده و روشن که زن مسلمان موظف است نماز یعنی پایه و ستون دین را با شتاب بخواند و هر چه سریع تر خود را به رختخواب برساند و شوهرش بچسبد و برای آغاز عملیات اعلام آمادگی کند.

علاوه بر آن، جماع و همخوابگی زن و مرد مسلمان، از نادر عملیاتی است که فرشتگان و ملائک آسمان را به تماشا و تحسین وامی دارد! آن هم به این دلیل که آدم (مرد) یعنی مسجود ملائک و تاج سر آفرینش را که خلقتش آشوب ها به پا کرد و باعث گردید تا همه ی ملائک وی را سجده کنند، الا ابلیس، که مورد خشم پروردگار قرار گرفت و به لعن و نفرین ابدی دچار گردید را، اسیر و افتاده در پای بتی عیار و شهر آشوبی چون زن ببینند! و مشاهده کنند که این پدیده ی شگفت انگیز و آخرین هنر آفرینش، چسان نفس زنان و عرق ریزان بوسه ها بر سر و روی و سینه و پستان و از همه مهمتر آلت تناسلی زن می زند و ترشح های آن را چون شهد و عسل با نوک زبان نوش می کند!

و گر نه چیز عجیب و غریب در حال اتفاق نیست! و ملائک و مقربین درگاه باری تعالی می توانند عمل جفتگیری و نزدیکی را در هر لحظه و هر دم از سایر حیوانات و جانوران در هر گوشه ی کره خاکی ببینند! بدون پرده ی ساتر و هر نوع پوشش و مانعی! حال پیشوایان و رهبران دین و ملایان وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه زار بزنند و گلو پاره کنند که: جماع عمل پسندیده و لازمی است، به شرطی که با هدف ارضاء زن و جلوگیری از شیوع فساد در جامعه ی اسلامی باشد!!

« امام صادق فرمود: اگر یکی از شما به همسرش نزدیک شود و سپس بر خیزد و او را ارضاء نکند، همسر او اگر به یکی سیاه زنگی دست یابد، به او متوسل می شود. پس به هنگام نزدیکی، شوخی و بازی و ملاعبه کنید که لذت بخش تر و بهتر است و زن بهتر ارضاء می شود.»[1]

این موجودات شهوت پرست و اسیر در دام وسوسه ها و دلربایی های زن، جز این نمی توانند بگویند! خصلت زن ستیزانه و مرد سالارانه ای که طی اعصار و قرون متمادی در رگ و خون شان رسوب نموده و جزء جدایی ناپذیر و غیر قابل تفکیک ژن هایشان شده، به آنان اجازه نمی دهد تا زبان به حقیقت بگشایند و واقعیت را بگویند! آنان از اینکه به ضعف خود از سویی و زیبایی، فریبایی، دلربایی و دوست داشتنی بودن زن، آنهم در لحظه و زمانی که بدون هر گونه پوششی در برابر انسان ایستاده و با حرکات چشم و ابرو، لرزش سینه ها و جنبش های موزون اندامش آشوب به پا و دل می رباید، اعتراف نمایند!

آنها از اینکه بر زبان بیاورند و بگویند که: آلت تناسلی زن را چون چشمه ای مصفا و جان بخش در میان دو ران خوش تراش و زیبا می بینند وحشت دارند!

خلق و خوی مرد سالارانه و برتری جویی به آنان اجازه نمی دهد تا بگویند که: موهای اطراف آلت تناسلی زن را زیباتر و تر و تازه تر از قشنگ ترین گلهای روی زمین می بینند و در موقع جماع با عشق و علاقه و در حالیکه بدنشان داغ و دانه های عرق بر پیشانی شان نشسته، صورت و پیشانی شان را که اثری از مُهر و سجده ی شکر بر آن مانده، بر روی آن گلها می مالند و بوسه ها نثارشان می کنند!

---

۲ - مکارم الاخلاق. شیخ طبرسی

آنان وحشت دارند از اینکه بر زبان آورند و اعتراف نمایند، وقتی که در آتش هیجان می سوزند و در آن حالت با دقت و احتیاط لبه های آلت زنانه را از هم می گشایند و چوچوله را می بینند و احساس می کنند که جان دارد و نبض زندگی در درونش می طپد، چه حسی به آنان دست می دهد و با چه حرص و ولعی با نوک زبان لمسش می کنند و بوسه بارانش می نمایند!
و در آخر، آنان از شهامت اخلاقی بی بهره اند و قادر به اعتراف نیستند تا بگویند؛ زمانی که در آغوش زنی فرو رفته و پیکر گرم و جان بخشش را در میان بازوان خود می فشارند، تنها آروز و خواست باطنی شان اینست که زمان متوقف شود و این لحظات هرگز به پایان خود نزدیک نشوند!
این است که موضع غرور کاذب و خصلت های زن ستیزانه و مردسالارانه خود عدول نمی نمایند و زبان الکن به حرکت در می آورند که همه ی گناهان زیر سر زن است! باز هم زن است که فساد آفرینی می کند و در صورت عدم ارضاء جنسی و امیال حیوانی به راه می افتد تا به هر طریق ممکن خود را ارضاء نماید. حتی اگر شده با یک سیاه زنگی که گویا از دیدگاه اسلام با دیگران برابر و برادر است و شما مرتبأ این جمله را به نقل از پیامبر اسلام از زبان مسلمانان شنیده یا می شنوید که حضرت رسول فرمود: « **از دیدگاه اسلام، سیاه حبشی و سید قریشی برابرند.**» و در این مورد به عنوان سمبل نفرت و انزجار معرفی می گردد. آن هم با هدف تحقیر و کوچک نمودن زن!
اگر چنین است و زنان تا این حد ضعیف و بازیچه ی امیال و غرایز جنسی خویشند که برای ارضاء آن تن به هر ذلت و خواری می دهند، دلیل چه دارد تا علمای عظیم الشأن اسلام و نایبان امام زمان، بخش اعظم رساله های عملی خود را به مسائلی چون استمناء (جلق زدن مردان)، دخول در دبر زن و

همسر، عمل لواط، جماع با حیوانات و چهارپایان، سئواستفاده ی جنسی از کودکان نابالغ آن هم از سوی آقایان اختصاص داده و می دهند؟
حتمأ به دلیل دلسوزی به حال زنان و توصیه به مردان منحرف تا فعالیت های نادر و قابل کنترل جنسی خود را به نفع زن و در راه ارضاء جنسی آنان بکار گیرند و از هدر دادن آن در پشت شتر و گاو و استر و الاغ جلوگیری نمایند!
اصولا چرا در جامعه ی مردسالار و طاعون زده ی دینی که فساد و نکبت و ادبار از در و دیوارش نازل می شود و بوی تعفنش همه جا را فرا گرفته، این زن است که فساد می آفریند و در صورت عدم ارضاء جنسی، حتی به دنبال یک سیاه زنگی به راه می افتد و با طیب خاطر در آغوشش فرو می رود و جسم مقدسش را در اختیار وی می گذارد تا لگد مالش نماید و شهوتش را در آلت تناسلی اش خالی نماید. مهمتر اینکه، مگر این سیاه حبشی از جنس و قوم و قبیله ی مردان نیست؟ شاید رنگ سیاه و تیره ی پوستش باعث شده تا در مقایسه با هم نوعان و هم جنسان سفید پوست خود سست عنصرتر باشند و به فرامین خدایش پای بندی و تعهد نشان ندهد!
« از امام صادق روایت شده است که فرمود: زن ۹۹ بار بیشتر از مرد لذت و شهوت را احساس می کند. ولی خداوند عزوجل او را به رشته حیا مقید کرده است.»[۱]
پس گناه اشاعه ی فساد و فحشاء در جوامع و بویژه کشورهایی چون ایران، نه به گردن دولت مردان بی کفایت و دزد و چپاولگر و مستبد دین سالار و نتیجه ی مسقیم اشاعه ی فقر و نکبت عمومی، بلکه به گردن زنان و به ویژه آن دسته از خانم هائیست که در موقع همخوابگی و جماع ارضاء نمی شوند و به

[۲] – منبع بالا.

مجرد بیرون آمدن از بستر و آغوش مرد ناتوان و بی توجه، به دنبال دیگری می گردند تا ارضاء شان کند و شعله های سرکش شهوتشان را خاموش نماید.
چرا در گذشته ای نه چندان دور و پیش از آنکه انقلاب نامیمون و نا مقدس اسلامی از راه برسد و جامعه در کام طاعون مذهب گرفتار شود، از فساد و فحشاء ای به این گستردگی و وسعت کم نظیر خبری نبود؟ مگر نه به این خاطر بود که فقر چنین دامن گستر نشده و زنان و دختران جامعه مجبور به تن فروشی نبودند تا لقمه ای نان به کف آرند و سد جوع نمایند؟
به ادعای این حضرات شهوت پرست و شکم باره که در طول تاریخ از سفره دیگران ارتزاق نموده و اسیر هوا و هوس شکم و زیر شکم شان بوده و هستند، اگر زن بهتر ارضاء شود، عقده هایش باز شده و اعصابش راحت می شود. زیرا زنی که از شوهر خود راضی شود و مرد نیز به تمایلات جنسی او پاسخ دهد، حرف شنو، سربزیر، صبور و مطیع می شود و مرد هر چه بگوید، اطاعت می کند. حتی اگر انجام و تن دادن به بی ارزش ترین چیزها باشد.
چهارپایان و درازگوشان خوش خوراک و خوش اشتهایی که به نام دین و مذهب و رهبران روحانی مردم به اظهار نظر و ردیف کردن اراجیف و اباطیل می پردازند و گند دهان بد بو و متعفن خود را به عنوان پند و اندرز بخورد امت اسلامی می دهند و به غیر از جهل و اوهام پراکنی هنری ندارند، نه تنها زنان را تا جایگاه و منزلت حیوانی پیش می برند و با بخل و کینه ای بی نظیر با آنان بر خورد می کنند. تو گویی که خود از موجودی به نام زن متولد نشده و پای نامبارک و نامیمون شان را به عرصه ی وجود نگذاشته اند.

آنان مسئله غریزی و نیاز به همخوابگی را مختص زن و منحصر به نیازهای شهوانی وی می دانند. و تلاش می ورزند در موقع بیان این مطلب و توضیح در باره ی آن از کلمات و جملاتی مستهجن و ناخوشایند بهره گیرند.

اینان معتقدند که اگر زن از لحاظ جنسی و غریزی ارضاء نشود و منی از او خارج نگردد در وجود خود آرامش نمی یابد و کسی را می ماند که موقع دستشویی رفتن و ادرار کردن، نیمی از ادرارش را در مثانه نگهداری و از خروج آن ممانعت نموده است. یا بی شباهت به کسی نیست که وقت دفع مدفوع دچار یبوست و ثقل مزاج گردیده. در زمانی که زن، از نظر جنسی ارضاء شود و منی از وی خارج گردد، حالت انسانی را دارد که ادرار یا مدفوع به راحتی از بدنش خارج شده است. بنا بر این احساس شادی و نشاط و آرامش می کند. و اخلاق و رفتارش بهتر می شود. این بدان جهت است که شوهر وی را از نظر جنسی ارضاء نموده و حاجتش را بر آورده است. از این روی در صدد تشکر و قدر دانی بر می آید و دوست دارد دست به اعمال و رفتاری بزند که در دل شوهر جا کرده و محبت او را به هر طریق به دست آورد.

ملاحظه فرمودید؟ مردان چنین نیستند. به دنبال ارضاء شدن و لذت بردن در آغوش زنان نیستند! زیرا از گوهر و ذاتی دیگرند. و از آنجا که زن ۹۹ بار شهوانی تر و ضعیف تر از مردان است، به همه ی خواری ها، بردگی ها، اجحاف ها، بی حقوقی ها، توهین ها، فشارها و اعمال و رفتارهای غیر انسانی و ضد بشری حاکمان و قوانین زن ستیز جامعه ی مرد سالار تن می دهد و بار ناملایمات گوناگون را به دوش می کشد تا مبادا از نعمت برخورداری از آلت بلند شده ی مردان بی نصیب بماند و عقده های روحی و روانیش سر باز نکند و گشاده نگردد!

« امام باقر فرمود: خداوند عزوجل شهوت را ده جزء خلق کرد؛ نُه جزء در مردان و یک جزء در زنان. ولی برای بنی هاشم و همسرانشان و شیعیان ایشان و بنی امیه و پیروان آنها نُه جزء در زنان و یک جزء در مردان قرار دارد.»[1]
عصبیت قومی و قبیله ای، جنون زن ستیزی، خصائل عقب مانده ی مرد سالارانه، دگم اندیشی و واپسگرایی مرتجعانه مذهبی و ... و سبب می شود تا به اصطلاح رهبران دینی و مذهبی و سکانداران کشتی کج و معوج آیین و کیش، در جهت حفظ موقعیت مرتجعانه و واپسگرایانه ی خود، به پروردگار عادل، رحمان و رحیم خود نیز دروغ ببندند و وی را به بخل، حسادت و تبعیض های آشکار و روشن و از همه مهمتر تزلزل و دمدمی مزاج بودن متهم و مدعی شوند که در بین مسلمین و زنان آنان نیز حاضر به رعایت عدل و مساوات نبوده است!
دیدگاه و اندیشه ی زن ستیزانه اعراب بادیه نشین و اقوام و مللی که دختران را ننگ ابدی دانسته و برای خلاصی از این ننگ، آنان را زنده به گور می کردند، در لابلای افکار رهبران و پیشوایان دینی و احکام و قوانین دینی موج می زند! این امر باعث گردیده تا در جهان اسلام، حتی سرزمین هایی که در گذشته نسبت به زنان دیدی انسانی و مترقیانه داشته اند، با بی مهری برخورد شود و حقوق حقه شان نادیده و زیر پا نهاده شود.
برای مثال: به دوران فرمانروایی کلئوپاترا و در ایران به مسئله ی پادشاهی دختران خسرو پرویز بنگرید و وضعیت زنان این دو سرزمین را با دوران پس از اسلام مقایسه کنید!
بالیدن به قدرت مردی و رجز خوانی در باره توانایی مردان در همآغوشی و تصاحب زنانی بیشتر، حتی در باره ی پیشوایان

[1] – من لایحضره الفقیه. شیخ صدوق (ابن بابویه).

دینی و مذهبی، به قوت خود باقی است و گاه با توصیف هایی اغراق آمیز بیان و بدان تفاخر می شود.
« امام باقر فرمود: عمر بن خطاب نزد حفصه دخترش رفت و گفت: نیروی مردی رسول خدا چگونه است؟ حفصه پاسخ داد؛ مانند مردان دیگر است. اما خداوند آن را برای پیغمبرش نپسندید و یک قدح حلیم از گل های بهشتی برایش فرستاد و آن را خورد و قدرت چهل و چند مرد بدو افزوده شد.»[1]
بیچاره حفصه و سایر زنان حضرت که می بایست جوابگوی قدرت چهل و چند مرده ی حضرت باشند!
تا کنون کمتر دین و آئینی اعم از زمینی و آسمانی، ملاحظه شده که همچون اسلام عزیز و مذهب تشیع به ممسئل جنسی و نیاز انسان به سکس و شهوترانی پرداخته باشد. حتی پرستندگان و پیروان آلت تناسلی شیوا در هند، مریدان سافو و نیایشگران معبد الهه ی عشق در یونان و هدوئیست ها نیز تا این حد به این مهم نپرداخته و در این باره قلم فرسایی نکرده اند!
بر اساس اسناد و شواهد موجود که از حجمی بی نظیر برخوردارند، پیشوایان و بزرگان آئین آسمانی اسلام، در این رشته تخصصی فوق تصور داشته و بیش از هر مسئله و معضلی به این امر پرداخته اند.
پیروزی و موفقیت انقلاب اسلامی و به قدرت رسیدن ملایان و روحانیون وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه در ایران، سبب گردید تا این اندیشمندان و متخصصان امور سکسولوژی مذهبی به تحقیق های گسترده تری دست بزنند و به نتایج پر بارتری دست یابند. زیرا برای اولین بار، پس از افسانه ها و داستانهای منتشره در باره ی حرمسرای فتحعلی شاه قاجار و شهوترانی های افراطی این پادشاه اسلام پناه و وارث ائمه ی اطهار، پرده

[1] – محاسن برقی.احمد برقی. باب اطعمه و اشربه.

از روی سکس های دسته جمعی و حتی نماز جماعت زنان و دختران برهنه برداشته و سکس به حریم کبریایی خداوند آسمانی راه یافت!
در ایران اسلامی، یعنی سرزمینی که تحت لوای اسلام در باتلاق بیکاری، اعتیاد، فساد و فحشاء دست و پا می زند و در حال غرق شدن است، رهبران و دولتمردان اسلام پناه، نیروی بیشتری در این راه صرف و هزینه ی افزون تری را متقبل می شوند!
طبق اخبار و گزارش های منتشره، ملاهای حاکم بر ایران که انگشتی از حلیم بهشتی ارسالی خداوند نصیب شان شده و از قدرت چهل و چند نفره ی جد بزرگوارشان نه تنها در زمینه ی کشتار و قتل عام دگر اندیشان، سرکوب و خفقان و شکنجه و اعدام، بلکه در رابطه با مسائل سکسی و همخوابگی با زنان نیز برخوردارند، اگر چه در راه آزادی و آبادانی و بهبود وضعیت زندگی مردم نه تنها گامی برنداشته، بلکه بر ویرانگری و تبهکاری بیشتری نیز روی آورده اند، در زمینه ی دست یابی به شیوه ی لذت بری و و استفاده ی ابزاری بهتر و بیشتر از کالایی به نام زن، گامهای بلندتری برداشته اند! این جماعت ملای شهوت پرست و هوسران، علاوه بر کاربرد جراحی و زیبایی در راه تنگ کردن فرج و آلت تناسلی زنان، به روشهای دیگری نیز از قبیل بکار گیری و بهره برداری از هنر دباغی پوست و نشاندن زنان در حوضچه های آب یخ و کشیدن تریاک با هدف انزال دیر رس، آنهم قبل از نزدیکی و همخوابگی دست یافته اند.
« از امام صادق سئوال شد؛ هنگامی که زن حایض شد، آیا برای مرد نزدیکی کردن با زنش حلال است؟ حضرت فرمود:

هر چیزی جز فرج اشکال ندارد. سپس فرمود: به درستی که زن وسیله خوشی و بازیچه مرد است.»[1]

از آنجا که شهوترانی بی بند و بارانه و اشتهای سیری ناپذیر پادشاهان اسلام پناه، امرا و فرماندهان سپاه اسلام و علما و پیشوایان دین مبین و مذهب شیعه از جنس لطیف، و در بیشتر موارد عمل لواط با هم جنسان مرد خود، زبانزد خاص و عام بوده و این کار نیاز مبرم به غذاهای مقوی و انرژی زا دارد، در ارتباط مستقیم و بدون واسطه با شکم قرار می گیرد. از این روست که کلاغ پر ریخته ی اندیشه و تفکر این موجودات حقیر و بی سر و پا که بر بالای منابر خود را با القابی چون دانشمند عالیقدر، شکافنده ی علوم، نابغه ی جهان اسلام، علامه، آیت الله و ... و مزین و مورد خطاب قرار میدهند، از محدوده ی شکم و زیر شکم فراتر نمی پرد و به فضای دیگری گام نمی گذارد!

با این حال، ذره ای از مناعت طبع و شرافت اخلاقی برخوردار نیستند تا شرافتمندانه زبان به سخن بگشایند و از نیاز جنسی و روحی خود حرفی بزنند! یا با طرف مقابل شان که بر آورنده ی همه ی این نیازهاست شرافتمندانه برخورد نمایند! روی این اصل است که زن را بازیچه ی دست مردان، وسیله ی سرگرمی و لذت و غیره می نامند و مورد خطاب قرار می دهند!

درست است که نیاز جنسی، یک نیاز غریزی و حیوانی است، اما نباید از نظر دور داشت که هر دو طرف به آن نیاز دارند و از اینکار لذت می برند! یعنی عملی است متقابل و مشترک و زنان به همان اندازه از این کار به طور طبیعی و نرمال لذت می برند که مردان! اما حضرات که همیشه راه افراط بیموده و گوی سبقت را از همگان ربوده اند، شهامت اعتراف به این نیاز متقابل و لذت بردن طرفین ندارند! بنا بر این نیاز غریزی خود را به

---

[2] ـ فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

حساب احتیاج مبرم و حیاتی زن و راه مقابله با فساد و فحشاء در جامعه ی اسلامی اعلام می کنند! وقاحتی بی نظیر و نادر که تنها این جماعت بند انداز و عوام فریب از عهده ی حمل و ابرازش را بر می آیند!

« یکی از اصحاب امام صادق به آن حضرت عرضه داشت؛ جانم فدایت، من چند کنیز خریده ام. دستوری فرمائید که بر آمیزش موفق شوم. حضرت فرمود: پیاز را خُرد کن و در روغن زیتون سرخ کن و تخم مرغ را بشکن و در ظرف بریز و بر آن نمک بپاش و بر پیاز و زیتون اضافه کن و مختصری آن را بپز، بعد تناول کن. راوی گوید به دستورات آن حضرت عمل کردم و به آنچه می خواستم توانا گشتم.»[1]

آنان که دم از عدالت، مساوات و برابری اسلامی می زنند، جا دارد تا کمی خجالت بکشند و عرق شرم بر پیشانی شان بنشیند.

مسلمانی که در ردیف اصحاب امام و پیشوای مسلمین قرار دارد، چند کنیز خریداری نموده است. یعنی عملا در دورانی که نظام برده داری به صورت کلاسیک و رسمی خود ملغی گردیده و جهان به سوی تحولی جدید گام برداشته، این آئین نو و جهانشمول که با شعار مساوات و برابری عوامفریبانه پا به عرصه ی وجود گذاشته و توده های به ستوه آمده از سلطنت مطلقه و مستبدانه ی پادشاهان ساسانی، مغان تبهکار و سودجوی به اصطلاح زرتشتی دوران ساسانی و قیصران دیکتاتور و بهره کش رومی را به زیر پرچم عدالت طلبانه و برابری و برادری توحید فرا می خواند، کماکان از خرید و فروش انسانها دفاع می نماید و بدان مشروعیت می بخشد.

از همه مهمتر اینکه، برده دار و بهره کش مستثمر و بی وجدان، به حضور رهبر و پیشوای عدالت گستر و مساوات طلب

---

[1] – مکارم الاخلاق. شیخ طبرسی.

شرفیاب می شود و از وی رهنمود می طلبد که چسان با انسان های خریداری شده و پای در زنجیری که فقر و تبعیض دنیای اسلام به اسارت و تملکش در آورده، سئواستفاده های جنسی نماید. با آنان همخوابه شود و از آنان کام دل بگیرد. بدون آنکه توان جسمی و نیروی اهریمنی شهوتش دچار تزلزل و نوسان گردد! و آن حضرت در نقش یک کار شناس مسائل جنسی و آشپزی مجرب و کار کشته دستورات لازم را صادر می نماید.

آن هم در زمانی که جهان اسلام، از ظلم و ستم بنی امیه به ستوه آمده و ایرانیان به رهبری ابومسلم خراسانی، از فرط نا امیدی و عدم تعهد پذیری حضرت امام، دست به دامان بنی عباس گردیده و از آنان می خواهند تا بار سنگین خلافت و امامت امت در بند و به جان آمده را به عهده بگیرند و از ستم و ظلم خلفای بنی امیه برهانند! بدین معنی که از دست مارهای کوچک و سمی دوزخ به کام مار غاشیه پناه می برند! بدان سان که از بیداد و ستم پادشاهان بی کفایت و ضد مردمی ساسانی به اسلام روی آوردند و بی عدالتی و بیداد خاندان پهلوی، به دامان چرکین و خون آلوده ی خمینی و دیگر روحانیون تبهکار و جنایت پیشه ی وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه رهنمون شان نمود!

تفریط و افراط در شهوترانی و کامجویی از زنان مختلف آنهم از سوی رهبران و پیشوایان دینی و متمولین دنیای اسلام که در شمار اصحاب و یاران یا بقول امروزی ها، مافیای اطراف رهبری بوده و هستند، باعث گردید تا روسپی گری و فاحشگی زنان و دخترانی که از فرط فقر و نداری، در جامعه ی اسلامی و چهارچوب حکومت عدل و عدالت پروردگاری، به تن فروشی روی می آورند و با هدف به دست آوردن لقمه ای نان خود را در آغوش متعفن و گندیده ی به اصطلاح پرهیزگاران و برگزیدگان امت بیندازند و به مرگی تدریجی پناه بیاورند، تحت

نام صیغه صورت قانونی به خود بگیرد و اولیای مذهب به بهانه ی قرائت صیغه ی موقت و حلال نمودن رابطه، در نقش جاکش ها و دلالان محبت ظاهر شوند. آنگاه وقیحانه و بیشرمانه مدعی شوند و بر بالای منابر اعلام دارند که: **چون در زمان خلافت علی ابن ابیطالب، خلخال از پای زنی یهودی دزدیدند، آن حضرت فرمود: جا دارد که هر مسلمان غیرتمندی با شنیدن این خبر دق کند و بمیرد!**

به راستی چرا و به چه دلیل، خود آن حضرت که ولایت و فرمانروایی مسلمین را بر عهده داشت، قبل از همه دق نکرد؟ چرا فرزندان لاشخور و تبهکار آن حضرت که بر ثروت بیکران مردم ایران و دریایی از نفت و بزرگترین حوضچه های گازی دنیا چنگ انداخته اند، با مشاهده این همه زن و دختر فراری و تن فروش در ام القرای تهران و مملکت امام زمان دق مرگ نمی شوند! چرا یک تن از آیت اعظام و مراجع تقلید گردن کلفت و مفت خوار، نسبت به وضعیت زنان و دختران ایرانی و تن فروشی و فاحشگی شان در شیخ نشینی های خلیج فارس، بویژه امارات متحده ی عربی، زبان نمی گشاید و صدای اعتراضش را بلند نمی کند؟ چرا در مقابل چپاول و غارت بی حد و حصر، فقر و فحشاء، اعتیاد و اختلاس و ارتشاء یی که سراسر مملکت امام زمان را به باتلاقی متعفن و بد بو مبدل نموده سکوت اختیار نموده و خفه خون گرفته اند؟

جمهوری اسلامی، نه کاپیتالیسم است و نه سوسیالیسم! بلکه نظامی است متکی بر اقتصاد توحیدی و عدل علی!

چه خوش آهنگ بود این ادعا و چه انسان های والا و شیفته ای را فریفت و از راه بدر نمود. چه دلها که مشتاقانه در حصار سینه تپیدند و سحرگاه آزادی و سربلندی را در رؤیاها خویش مجسم نمودند! استقرار، استحکام و استمرار این حکومت ولایی

و فرسنگ ها دور از جمهوریت و جمهور مردم، در نهایت به تثبیت بخش اول جمله انجامید که « **جمهوری اسلامی، نه کاپیتالیسم است و نه سوسیالیسم!**» بلکه حکومتی است که با اتکاء بر فریب، نیرنگ و ریا استقرار یافته، بر سرکوب و شکنجه و اعدام تکیه زده! بر به بند کشیدن و اسارت زنان مستحکم شده! و در نهایت حکومتی است ارتجاعی و ضد مردمی که با هزاران تار مریی و نا مریی به نظام کاپیتالیستی گره خورده و نقشی جز پادویی و خدمتگزاری به سرمایه داری جهانی ندارد! حاکمیتی است که به نحو احسن و به قیمت فقر و تیره روزی مردم و ویرانی مملکت، سیاست بازار و جهانی شدن آن را در راستای خواسته های امپریالیسم جهانخوار پاسداری و پیش می برد! و آنجا که فرد خود فروخته و مرتجعی چون بوریس یلتسین از وابستگی و اجرای سیاست های امریکا سر باز می زند و بفکر اعتلا و سربلندی ملت روس می افتد، رهبران تبهکاران و جنایتکار جمهوری اسلامی از حرکت باز نمی مانند و لحظه ای در راه حفظ منافع این قدرت جهانخوار تعلل و دو دلی نشان نمی دهند!

اگر حکومت پهلوی و خاندان هزار فامیل وابسته به دربار، در گذشتهد ای نه چندان دور و دراز تأمین کننده ی مواد خام و انرژی زای دنیای سرمایه داری و ایالات متحده ی امریکا بودند، روحانیت وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه با عوامفریبی و کشاندن توده های مردم به دنبال سراب بهشت و زندگی راحت در سرزمین امام زمان، نه تنها آنان را بیش از پیش به دنیای سرزمین داری وابسته و دست بسته به قربانگاه فقر و نابودی شان کشاند بلکه با ظهور و تثبیت پروسه ی کالا شدن زن و آغاز فعالیت گسترده ی تجاری در این زمینه، ناموس مردم را نیز به حراج گذاشت! تا آنجا که نه تنها از دیگر

کشورهای اقمار امریکا و عدم بر خوردار از قوانین الهی و احکام جهانشمول خداوندی عقب نماندند، بلکه چون دیگر اعمال و رفتارهای ضد بشری و ضد انسانی شان، در این زمینه نیز پیشتاز و یکه تاز میدان گردیدند!
بنا بر این با گسترش سیاست خصوصی سازی و برگماری مافیای کشتار و غارت و چپاول بر سر توده ی مظلوم و محروم، در تشدید گرانی و فشارهای سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره افزودند و وضعیتی پیش آوردند تا جامعه از نظر اخلاقی نیز سیر قهقهرایی به پیماید به دره ی هولناک و دهشت انگیزی سقوط نماید!
برج و باروهای مستحکم باورها شکاف برداشت! که پدیده ای بود خوشآیند و نتیجه بخش! اما از آنجا که جایگزینی نداشت و به اصطلاح اپوزیسیون مسخره و ناتوان، قدرت بهره برداری و هدایت موج فزاینده ی نارضایتی و اعتراض مردم را نداشت، جامعه ای که از نظر اعتقاد های دینی و باورهای مذهبی دچار تزلزل شده بود، به شاه راه فساد و تباهی بیشتر افتاد!
روحانیت وابسته به دستگاه خلیفه گری شیعه نیز که به ادعای شیخ علی یونسی، وزیر وقت اطلاعات و امنیت رژیم، نبض اپوزیسیون و فعالیت های آن را در دست داشتند، از این موقعیت و سر درگمی اپوزیسیون قدرت طلب و دریوزه، حداکثر سئواستفاده را نموده و به یاری مافیاهای مختلف وابست به خود، به بزرگترین صادر کنندگان زن و تزریق آن به عنوان کالا به بازار مصرف جهانی و خدمت به اربابان خود شدند!
تشت رسوایی جمهوری و بدنامی رهبران تبهکار و جنایت پیشه آن از بام افتاده است. تنها مسئله ای که هنوز در پرده ابهام مانده و مردم ایران از آن بی خبرند، همسویی سیاست امریکا و جمهوری نکبت در منطقه و جهان است. تهدیدهای دولتمردان

ایالات متحده امریکا و قمپز در کردنهای جرج واکر بوش که در مواقع حساس و افزایش فشار و اعتراض های داخلی ایران، با هدف گمراه کردن مردم و انحراف اذهان آنان سر بلند می کند، بر توهم و سر در گمی آنان می افزاید! و باعث می گردد تا چنین پندارند که ایالات متحده امریکا، دشمن آشتی ناپذیر جمهوری اسلامی و خواهان سرنگونی آنست! در حالیکه نه ایالات متحده امریکا و نه جهان سرمایه داری خواهان چنین مهمی نبوده و نیستند! زیرا کمتر آلترناتیوی را می توانند بیابند که بتواند به اندازه ی رهبران مزدور و خود فروخته ی جمهوری اسلامی از منافع سرمایه داری لگام گسیخته و آدمخوار پاسداری و حضانت نماید.
برگردیم به اصل مطلب!
جمهوری اسلامی ایران، ضمن ادامه ی برخوردهای شدید و سرکوبگرانه ی خود در مقابله با خیزش مترقیانه و حق طلبانه ی زنان ایرانی که از سپیده دم انقلاب آغاز کرده و مزورانه و عوامفریبانه در پی آن بود تا دستاوردهای زنان، از دوران انقلاب مشروطیت به بعد را پایمال و به دست فراموشی بسپارد، ضمن به بند کشیدن و شکنجه و آزار و اذیت پیشگامان این حرکت و ...! زمینه فساد جامعه و ترویج اعتیاد و فحشاء را با سرعتی هر چه تمامتر و از طریق نهادهای به اصطلاح انقلابی که در گوشه و کنار کشور سر بر آورده بودند فراهم نمود! با رشد روز افزون بیکاری، گرانی و فقر و ادبار طاقت فرسا و کمر شکن که به زودی نیمی از جمعیت کشور را به زیر خط فقر کشانید.
هشت سال جنگ خانمانسوز و ویرانگر با کشور همسایه عراق، علاوه بر آن که ویرانی کشور و از کار افتادن پاره ای از کارخانه ها، کارگاهها و مؤسسات صنعتی و کشاورزی و

دامپروری را در پی داشت، بر شمار زنان بیوه و بی سرپرست افزود و رونق بازار صیغه و سود جویی و منفعت طلبی های رذیلانه و ضد بشری بسیاری از ملاهای مسئول بنیادهای جنگ و شهید و غیره را به همراه آورد!
در چنین موقعیت اسفبار و دردناکی، رهبران خائن و خود فروخته جمهوری اسلامی، با طرحی برنامه ریزی شده و حساب شده، تعداد قابل توجه ای از زنان و دختران جوان جامعه را که از ابتیاع و تهیه ی لقمه نانی عاجز و درمانده بودند، به لبه ی پرتگاه و سپس ژرفای دره ی فساد و تباهی سوق دادند! این زنان و دختران جوان، در زیر لوای اسلام، در پناه عدل علی و زیر نظر و توجه امام زمان با هدف به دست آوردن لقمه ای نان متعفن و کپک زده به تن فروشی و روسپیگری در خیابان های شهرها و اماکن فساد توحیدی روی وردند!
اجرای این طرح در گام های اولیه از نیروهای حزب الهی مستقر در دادگاهها و دادسراهای انقلاب، سپاه پاسداران و بسیج، بنیادهای جنگ و شهید کمک گرفت! سپس به رشد و سازمان یابی مافیاهای قدرتمند و توانایی انجامید که ریشه در بیت رهبری و اندرونی علما و روحانیون قدرتمندی چون آیت الله مصباح یزدی، ناطق نوری، علی مشکینی، احمد جنتی و غیره داشتند و بر توان و قدرت وزارت اطلاعات، دادسرهای انقلاب، سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی متکی بودند! این مافیاهای جهنمی و کاملا حزب الهی، ضمن اانگشت نهادن و تصاحب همه ی منابع تولیدی و صنعتی کشور، در زمینه ی فریب دادن، ربودن و قاچاق زنان و دختران جوان، به خارج از کشور و تأمین کالای مورد نیاز بازار و رشته ی تازه تاسیس این صنعت کثیف یعنی تجارت سکس نیز فعالیت مایشاء و حاکم بر سرنوشت زنان و دختران ایرانی گردیدند!

تبلیغ و ترویج امر صیغه در جامعه و اعلام این مسئله از سوی امامان جمعه و نایبان امام زمان که صیغه کننده می تواند، خود قرائت کننده ی صیغه باشد، دستورالعمل مزورانه و عوامفریبانه ای بود که با لباس و پوشش شرعی وارد میدان شده و همچون بازوی راست رهبری و روحانیت شیطان صفت به فساد جامعه و اشاعه ی فحشای مقدس دامن زد و می زند!

طبق این سیاست، تنها زالوهای جامعه، بله زالوهای جامعه، یعنی کسانی که از راه چپاول و یغماگری و تکیه بر بیت رهبری یا دیگر روحانیون قدرتمند و صاحب نفوذ وابسته به دستگاه خلیفه گری شعیه و دامن زدن به جنگ ویرانگر هشت ساله به نوایی رسیده و ثروت هایی نجومی و غیر قابل تصوری اندوخته اند، قارند به طور روزانه، تعداد زیادی از دختران و زنان هستی باخته ی ما را در ازاء مبلغ ناچیزی برای مدت زمانی اندک خریداری و مورد بهره برداری جنسی و امیال شیطانی و حیوانی خود قرار دهند! اگر آزاد نمودن صیغه و باز گذاشتن دست شهوت پرستان و جانورانی در لباس انسان، ترویج و رونق فحشاء و در راستای سیاست های ضد انسانی سرمایه داری لجام گسیخته و بی بند بار نیست، چه نام دارد؟

آیا هنوز فرصتی باقی مانده تا دست روی دست بگذاریم و منتظر بنشینیم تا حکومت عدل علی و جامعه ی قسط اسلامی از راه برسد؟ آیا ظهور امام زمانی که ظاهراً خود را زیر عبای آیاتی چون آیت الله مصباح یزدی، آیت الله سید علی حسینی خامنه، سایه ی سید محمد احمی نژاد و ته چاه جمکران مخفی نموده و زوال و انقراض ملتی کهن سال را نه از طریق طبیعی بلکه در مرداب متعفن و منزجر کننده فساد و تباهی اسلامی نظاره گر است، علاجی بر درد و واکسنی جهت جلوگیری از وقوع فاجعه

است؟ یا نوشدارویی است که بعد از مرگ سهراب می رسد و به بن مایه ی قصه ها و داستان های آیندگان مبدل خواهد شد؟

« ابی بصیر می گوید؛ از امام باقر در باره متعه (صیغه یا ازدواج موقت) سئوال کردم. حضرت فرمود: خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم چنین فرموده است: (پس هر چند از ایشان کامیاب شدید، واجب است مزدهای آنان را بدیشان بدهید و باکی بر شما نیست در آنچه پس از واجب بدان تراضی کنند. سوره نساء آیه ۲۴.)»[۱]

در فاحشه خانه نیز، طرفین با رضا و رغبت با یکدیگر هم آغوش می شوند و لحظاتی را خوش می گذرانند! مرد بها را می پردازد و فاحشه در ازاء کاری که انجام می دهد و کالایی که اارائه می دهد، مزدی دریافت می کند! حال اگر مرد مراجعه کننده به زن روسپی بگوید: من در ازاء پرداخت این مبلغ، شما را برای مدت چند دقیقه یا چند ساعت به خدمت خود و آلت تناسلی ام گرفتم، صورت و جواب مسئله تغییر می کند و خداوند تبارک و تعالی، با قدرت اعجاب آور خود، برای همان مدت زمان تعیین شده، زن را در ردیف زنان پاک دامن، بی نیاز از مال دنیا و ... قرار می دهد؟ آیا این مدت را از کل دوران فاحشه گری اش کم و در دفتر محاسباتی خود به ثبت می رساند تا در روز رستاخیز و جزاء به آن رسیدگی شود؟ چه میزان از گناه این زن که عمرش را در روسپی خانه و همآغوشی با مردان مختلف سپری نموده کم و بخشوده خواهد شد؟

و سئوال آخر اینکه، به ازاء هر زن روسپی و فاحشه ای که با پیشه و حرفه ی ضد اسلامی خود جامعه اسلامی را آلوده و از عزتش می کاهد، به چه میزان گناه و کیفر مجازات برای رهبران و پیشوایان بی کفایت، تبهکار، غارتگر و جنایت پیشه

---

[۱] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

ای که ردای خلیفه گری الله را بر دوش انداخته و زعامت مسلمانان را بر عهده گرفته اند، تعیین و نوشته شده است؟
به طور یقیین هیچی! پس وای بر احوال ملت و قوم و قبیله ای که دست در گردن عفریت متعفن و گندیده ی جهل انداخته و در آغوش چرکین و بد بویش به خواب غفلت فرو رفته اند!!
و لعن و نفرین بر جهل پروران و پیشوایان سیاسی – فرهنگی خود فروخته ای که به بهانه عدم توهین و تجاوز به حریم باورهای مذهبی و مسلکی مردم، بر این امواج خون و رواج روز افزون و بی سابقه ی فقر، بیداد، اعتیاد، بی فرهنگی، فساد، فحشاء، اختلاس، ارتشاء، غارت و چپاول چشم فرو بسته و با دریوزه گی و ذلت، منفذ و روزنی می جویند تا بدون دردسر و گرفتاری به ساحل امن برساند و عروس زیبای سلامت را در آغوش بگیرند!
و زهی بیشرمی!
جالب توجه است که این حضرات به منظور اشاعه فساد و فراهم نمودن زمینه ی کثافت کاری و رذالت خود، تلاشی خسته ناپذیر می نمایند تا زنان و مردان جامعه را به صرف مسلمان بودن در نوعی معذوریت قرار دهند و زیر پوشش احکام و دستورات دینی به فساد بکشانند!
« حمیری به امام زمان حضرت مهدی (عج) نوشت و از آن حضرت سئوال کرد: مردی که شیعه است و متعه را حلال می‌داند و اعتقاد رجعت دارد همسری دارد. همسری خوب که در تمام کارها او را کمك کار است و لذا با او عهد کرده است که هرگز بر او همسر دیگری نگیرد و ازدواج موقت نکند و خلاصه با وجود او کس دیگر را نخواهد و به این عهد نوزده سال پای‌بند است و به عهد و قولش عمل کرده است و چه بسا مسافرت رفته و مدت زیادی دور از منزل خود بوده است و به

قول خود پای بند مانده و متعه نگرفته است و مشغولیت به برادران، اولاد، خدمه، کارگزاران و اطرافیان هیچ فرصتی به او نداده تا به فکر متعه بیفتد. متعه را حرام نمی داند بلکه متدین به آن است؛ ولی چون همسر خود را میخواهد و دوستتش دارد برای حفظ او و خودش متعه نمیگیرد و این ارزش را دوست دارد.
آیا او برای ترك متعه گناه كرده است؟ از طرف حضرت جواب رسید:
برای این که قسم به معصیت خدا خورده است لازم است خدا را اطاعت کند و يك دفعه هم شده متعه بگیرد.»[1]
نمونه دیگر:
« پیامبر اکرم (ص): هر کس یکبار در زندگی خود متعه کند درجه اش به مانند درجه حسن مجتبی (ع) خواهد بود و هر کس دوبار متعه کند درجه اش به مانند حسین سیدالشهدا (ع) خواهد بود و هر کس سه بار این کار را انجام دهد به درجه علی مرتضی (ع) نائل میآید و هر کس چهار بار متعه بگیرد درجه اش همانند من خواهد بود.»[2]
چه دام فریبی از این وحشتناکتر و مخرب تر؟ چه افیونی نشئه کننده تر و از پای در آورنده تر از این؟ سئواستفاده از باور مذهبی و دینی مردم! دروغ و بهتان بستن به پیغمبری که هزاران بار اعتراف نموده و بر زبان آورده که انسانی چون دیگر انسان هاست و هیچ قدرت و نیروی خارق العاده و ماوراء الطبیعه ای ندارد! شرک نسبت به خدایی که بارها ازپیامبرش خواسته تا بشری چون دیگران بودن خود را به دیگران گوشزد و یاد آوری نماید!

---

[1] – بحارالانوار. سید ملامحمد باقر مجلسی ج۱۰۰ص۲۹۸و کتاب متعه شیخ مفید ص۴۸
[2] - لئالی الاخبار ج۳ ص۲۴۳.

با این اوصاف، در این مورد خاص نیز تلاش می شود تا زنان را پیشقدم و پیش گام امر صیغه و نیازمندان ثواب و لطف و کرم پروردگار معرفی کنند. یعنی چنین توجیهی بر سر زبانها و در میان اذهان بیاندازند که زنان بیشتر خواهان ازدواج موقت و طاعت و بندگی پروردگار خویشند تا مردان!

« مردی از قریش گوید، دختر عمویم که صاحب اموال زیادی بود نامه ای بدین مضمون برای من فرستاد. این نامه را برای تو نوشته ام. نه از جهت رغبت به مردان، بلکه به من رسیده است که خداوند متعال متعه را در قرآن کریم حلال نموده و پیامبر جزء سنت قرار داده و عمر بن خطاب حرام کرده است. پس من دوست دارم که اطاعت کنم خدا را و اطاعت کنم رسول خدا را و نافرمانی و ناراحت کنم منع کننده متعه را. پس قبول نما و با من ازدواج موقت کن. مرد قریشی گوید؛ پس بر او نوشتم که صبر کند تا از مولا و آقایم امام محمد باقر کسب تکلیف نمایم و با او مشورت کنم. به همین منظور نزد امام باقر رفتم و قضیه را نقل کردم. مولا و آقایم فرمود: انجام بده که سلام و درود خداوند بر هر دو شما باد.»[۱]

بوی مشمئز کننده و متعفن دروغ از حرف حرف این حدیث و همه ی حدیث های دیگر استشمام می شود و چون کفر ابلیس مشام خواننده را می آزارد. چون نه تنها دروغ است بلکه توهین به مردم و توده های زحمتکش و بی پناهیست که توسط همین جرثومه های فساد در جهل و بیسوادی و ادبار نگه داشته شده اند تا هر از بر تشخیص ندهند و مانند پاوهای شیر ده، حاصل دسترنج و زحمت شان را به حلقوم عده ای مفتخواره زالو صفت واریز نمایند و از فرط جهالت خوشحال و مسرور هم باشند!

---

[۱] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

فرمان عمر بن خطاب، دومین خلیفه از خلفای راشدین چه ربطی به دوران امام محمد باقر دارد؟ پس از کشته شده عمر، خلافت به عثمان و سپس علی رسیده است. دوران عثمان و علی نیز سپری شده و خلافت به بنی امیه واگذار گردیده است! پس از علی که به عنوان خلیفه چهارم و امام اول شیعیان بر کرسی خلافت کوفه تکیه زد گذشته است. امامانی چون حسن و حسین و علی ابن حسین (زین العابدین) به دیار باقی شتافته اند. امام محمد باقر به دلیل چاقی مفرط بر تخت روانی که توسط چهار نفر برده ی نگون بخت این سوی و آنسوی کشانده می شود لمیده است. آنگاه زنی نامه ای به پسر عمویش می نویسد و مدعی مخالفت با عمر بن خطاب می گردد و حضرت مشکل گشایی می فرمایند. و از آنجا که شکافنده ی علوم تشریف دارند، هسته ی اتم می شکنند و رهنمود صادر می فرمایند!

عمق فاجعه زمانی است که مجوز همخوابی و بهره برداری شرعی و عرفی از زنی شوهر دار صادر گردد! یعنی شما با مجوز و اجازه ی حاکم و پیشوا، آنهم از نوع دینی و مذهبیش بتوانید زنی شوهر دار را به خانه بکشانید و به عنوان وسیله و ابزار لذت و دفع شهوت بکار گیرید! بدون آنکه احساس شرم نمایید و وجدانتان ناراحت گردد!

چندش آور و منزجر کننده است، زمانی که شما به عنوان یک فرد مذهبی و خدا پرست می توانید زنی شوهر دار را به عقد موقت خود در آورید بدون آنکه خود را زنا کار و سنت رسول الله را فاحشه گی شرعی یا جماع مقدس بنامید.

کجایند آن شیاطین مجسم و مغزهای گندیده ای که تهمت اشتراکی کردن زنان را به کمونیست ها می زدند و فریاد وا اسلامایشان به آسمان رسیده بود؟ کجایند آن سخنوران و مدعیان اسلام پناهی که انواع و اقسام تهمت را به دگر اندیشان و

مخالفین خود می زدند و آنان را به بی ناموسی و فساد و فحشاء متهم می کردند.
جالب توجه است که تفحص و کنکاش در مورد زن شوهرداری که به رختخواب می کشید و مورد بهره جنسی قرار می دهید جایز نیست و شما موظفید تنها به قول زن و ادعای وی مبنی بر اینکه مجرد و بدون شوهر است اکتفا نمایید!

« فضل مولی محمد بن راشد گوید؛ به امام صادق عرض کردم با زنی برای متعه ازدواج کردم و از دلم گذشت که آن زن همسری دارد، تفتیش کردم و یافتم که آن زن شوهری داشته است. امام فرمود: در این باره تفتیش نکن!»[1]

به دیگر سخن، جنگل مولاست! در این جنگل وحوش و دیوانگان آزاد، زرنگ کسی است که درین جنگل، از هر چمن گلی بچیند و بدنبال کار و زندگی خود برود! و از آنجا که در جنگل مولا، موجودات در عالم حیوانی و مرحله ای شبیه به دوران رمه های انسانی به سر می برند و زن وسیله و ابزار لذت و خوشی مردان است که خداوند تبارک و تعالی وظیفه ای جز این بر عهده اش نگذاشته و مقرر نداشته است! بنا بر این شوهر دار و بی شوهر بودنش مطرح نیست! تفاوتی چندانی نیز با همدیگر ندارند! مخصوصاً زمانی که خود موجود جماع دهنده، اظهار عدم وابستگی به شوهر و زندگی مشترک با دیگری را می نماید! همین اظهار نظر کافیست! نباید معطلش گذاشت و به تحقیق و تفحص در این باره پرداخت که شوهر دارد یا ندارد! وظیفه مؤمن و مرد مسلمان است که بیدرنگ زن را به رختخواب کشانده و به شیوه ی ائمه اطهار و بزرگان دین، با بازی کردن، بوسیدن، لیس زدن و شوخی و مزاح، کاملاً

[1] – وسائل الشیعه.حر عاملی. جلد ۱۴ باب نکاح و متعه.

تحریکش نماید و بلافاصله میخ مقدس اسلام را کوبیده و عمل مقدس دخول را به انجام برساند!

شیر مرد مجاهد و نستوه مسلمان، در صورت توانایی و بر خورداری قدرت بدنی اجازه دارد تا هزار نفر از زنان آزاده ی مسلمان را بدون ممانعت شرعی به اجاره در آورد و چون اجاره نشینی خوش اشتها از تک تک آنان کام بگیرد! زیرا در فرهنگ پر بار و انسان ساز اسلام، نقشی برتر و والاتر از این برای زنان در نظر گرفته نشده است!

« زراره می گوید؛ به امام صادق عرض کردم؛ آیا می شود در متعه با چهار نفر ازدواج نمود؟ فرمود: در متعه می توانی با هزار نفر ازدواج کنی که آنان همانند مستاجر می باشند. یعنی در حقیقت آنها را اجاره می کنی!»[۱]

چه می گویند محاربین و مفسدین فی الارضی که در زمین فساد می کنند و فتنه بر پای می دارند و سنت رسول اکرم و ائمه هدی را روسپیگری و ترویج فحشاء می نامند؟ آیا دین و کیش و آیینی را می شناسند که تا این حد به حقوق حقه ی زنان احترام بگذارد و به آنان اجازه دهد تا در صورت داشتن شوهر به عقد و ازدواج موقت دیگری در آیند و از روابط جنسی باز و گسترده استفاده نمایند؟

در کجای دنیا سابقه دارد که زنان در یک زمان واحد و معین، در دسته های ده نفره، صد نفره و هزار نفره به عقد و ازدواج موقت یک مرد در آیند و خودشان را به صورت تک تک یا دسته جمعی به وی تسلیم نمایند؟

کجایند یاوه سرایانی که دین مبین و شریعت حقه ی جعفری را ضد انسانی و مخالف با منافع بشریت ارزیابی می کنند؟ چه دین و شریعتی را می یابند که تا این حد طرفدار و هوادار بشر باشد

---

[۲] – فروع کافی. محمد ابن یعقوب کلینی.

و به فردی از افراد جامعه اجازه دهد تا در یک زمان هزار زن و دختر را در مقابل وجوهی ناچیز اجاره کند و با آنان سکس فردی یا دسته جمعی اجرا نماید؟

اصلاً مگر موجودی آزاد و انسانی همانند همه ی انسان های روی زمین، اجاره شدنیست؟ آن هم برای خوشگذرانی و امیال جنسی؟ اگر دست از غارتگری و چپاول بردارید و لقمه نان را از کف توده ها نربایید، کدامین موجود فلک زده و بیچاره ای حاضر است در مقام مرده شور، لاشه ی گنده و متعفن شمایان را بشوید؟ تا چه رسد که خود را در آغوشتان بیندازد و اجازه دهد تا چون حیوانات درنده و حریص بر سینه و پستانهایش چنگ بیندازید و دامنش را با کثافتتان بیالایید؟

ننگ بر شما باد! نفرین بر آن شریعت تان و احکامی که از کله های تهی و مغزهای گندیده تان تراوش نموده است! لعنت تاریخ و جهان نثارتان باد!

دین مداران و آخرت فروشان عوام فریب و کلاش با هدف اشاعه ی افکار و نیات مالیخولیایی خود و در ضدیت با نوع بشر، به انواع و اقسام خدعه ها، نیرنگ ها، وعده های پا در هوا و دروغ های شاخدار متوسل می شوند و در میان عوام و مردم بیسواد یا کم سواد بذر جهالت و نادانی می پراکنند و اذهان آنان را مشوش می نمایند! آنان به یک اصل تغییر ناپذیر و همگانی معتقد و پای بندند! « **دروغ هر چه گنده تر، و وعده ها هر چه فریبنده تر بهتر.»** سیاستی که خمینی و دار ودسته ی عوام فریب و تبهکارش از همان آغاز روی کار آمدنشان در پیش گرفتند و به مدت سی سال بر آن پای فشردند!

« پیامبر اکرم (ص) فرمود: دو نفری که ازدواج موقت می نمایند هنگامی که با هم صحبت می‌کنند کلام آنها تسبیح خداوند است و هنگامی که دست همدیگر را گرفتند گناهانشان از میان

انگشتانشان فرو می ریزد. هنگامی که یکی از آنها دیگری را می‌بوسد خداوند برای هر بوسه ثواب یك حج و عمره را می‌دهد و هنگامی که از هم جدا می‌شوند خداوند برای هر دوی آنان به هر لذت و شهوتی که برده‌اند حسنه‌ای به بزرگی کوه‌های بسیار بلند در نامه عملشان می‌نویسد و هنگامی که بلند شده و غسل کردند خداوند گناهان آنان را می‌بخشد وآبی بر مویی از موهای شان مرور نمی‌کند مگر اینکه خداوند برای هر یك از آنها ده ثواب نوشته و ده گناه محو کرده و ده درجه بالا می‌برد.

پس پیامبر (ص) فرمودند: و برای هر کسی که پیوند بین آنها را ایجاد کرده باشد همین ثواب‌ها خواهد بود و در ادامه فرمودند یك درهم (خرج برای) متعه از هزار درهم که در راه خدا خرج شود برتر است به خدا سوگند که متعه برتر است و آن چیزی است که قرآن درباره آن سخن گفته و سنت بر آن جاری شده است.»[1]

و آنگاه که وعده های عومفریبانه و رذیلانه شان ثمر نداد و عده ای را به گمراهی و کژراهه نکشانید، بنای تهدید و ترساندن از پل صراط، مار غاشیه و عذاب جهنم را می گذارند و حتی به تکفیر و سرکوب و شکنجه و زندان و اعدام متوسل می شوند.

« روایت دیگری از معصومین (ع) است که فرمود: هیچ زنی نیست که به او پیشنهاد متعه کند و قبول نکند و منکر شود الا آنکه حقتعالی بردارد از گردن آن زن رشته ایمان را و محشور کند او را با اهل تابوت جهنم (بدترین عذاب را اهل تابوت جهنم دارند) و هر زنی که متعه شود و تابع سنت رسول خدا (ص) گردد و با فاطمه زهرا (س) در قصر جنت در همسایگی پیغمبر (ص) محشور شود.»[2]

[1] - لئالی الاخیارجلد۱ ص۲٤٤.

[2] – من لایحضره الفقیه. شیخ صدوق (ابن بابویه)

.این حدیث، مصداق بارز سیاست شلاق و شیرینی است. در ضمن جوابی است در پاسخ آنان که می خواهند بدانند حاج داود رحمانی، از جلادان به نام و رئیس یکی از مخوف ترین زندانهای جمهوری جهل و جنایت، طرح تابوت و شکنجه ی زندانیان توسط این وسیله ی جهنمی را از کجا آورده و بکار گرفته بود!

به هر حال، به همین مختصر اکتفا نموده و جوانان عزیز هموطن را به تحقیق و تفحص بیشتر در این مورد و آشنایی بیشتر با دین مبین، مذهب شیعه و چهره ی عریان روحانیت دیو سیرت و اهریمن خویی که وطن ما را ویران و ملتی را به تیره روزی و نکبت و افلاس کشانده اند فرا می خوانم. با این امید که در سایه ی دانش، فرهیختگی و خودآگاهی بتوانیم بر این شیطان صفتان غالب و موقعیت و جایگاه واقعی خود را در میان ملل زنده و مترقی جهان باز یابیم! چون بر این باوریم که در پناه تعصب های خشک، اعتراض های کور و خود انگیخته و شور انقلابی ویرانگر، به جایی نمی رسیم و در نهایت به چیزی بهتر و والاتر از جمهوری ملایان دست نخواهیم یافت! بلکه زمانی به مقصد دلخواه و دنیای زیبای آزادی و دمکراسی راستین دست خواهیم یافت که مطلع و آگاه و مسلح به شعور انقلابی گردیم.

موفق و پیروز باشید!